

آیا پس گرفتن هفده شهر قفقاز ممکن است؟

صفحه آخر

دستبرد قوم‌گرایان بر شهیدان کربلا «غلامان نوخاسته»

صفحه هفت

مروری بر زندگی محمدزاده صدیق؛

دوزگون یالان

صفحه هفت

سومین رزمایش ایران در مرز باکو؛

ایران مقتدر از رود ارس گذشت

صفحه آخر

ایران آباد و آزاد و یکپارچه آرمان ملت؛

دریغ است ایران که ویران شود

ارزیابی خطر تجزیه طلبی و مسئولیت‌های اجتماعی نخبگان



جمع آذربایجانی‌ها در شب وطن یولی مجله بخارا

شب میهن پرست ترین ایرانیان

با سخنرانی حسن انوری، ژاله آموزگار، علی اشرف صادقی، حمید احمدی، مسعود عرفانیان، علی دهباشی

به گفتار خوب و خرد کار بند

آنچه به کس نتوان گفت

پیام خانم دکتر ژاله آموزگار به «شب وطن یولی»:

زبان فارسی ما ایرانیان را به هم ارتباط می‌دهد



به این یاده‌گویی رئیس‌جمهور ترکیه داده است؟ هر چند شعرخوانی نامناسب اردوغان در باکو با پاسخ توییتی وزیر وقت امور خارجه مواجه شد اما به قولی با یک گل بهار نمی‌شود. الهام علی‌اف نیز سخنان و اقدامات مشابه دیگری داشته که همواره بی‌پاسخ مانده است.

نکته بدتر این است که حتی نهادها و رسانه‌ها و افراد غیردولتی نیز به اشکال مختلف امکان اقدام و پاسخ متناسب به رسانه‌ها و دولتی‌های این دو کشور پیدا نکرده‌اند. با برجسب تندروی و تخریب روابط با کشورهای همسایه بسیاری از دلسوزان و فعالان اجتماعی و فرهنگی وادار به سکوت یا محافظه‌کاری در قبال اقدامات ایران ستیزانه این دو کشور همسایه شدند و اکنون در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که باید برای مقابله با تهدیدات ژئوپلیتیکی باکو و آنکارا علیه منافع ملی کشورمان به فاصله دوسال سه رزمایش نظامی در مرزهای کشورمان با باکو برگزار کنیم و به صورت نمدانین از رود ارس بگذریم و در همه سطوح نظامی و سیاسی به باکو پیام بفرستیم که اقدام علیه منافع ملی کشورمان را بر نمی‌تابیم و رهبری به عنوان بالاترین مقام نظام رسماً رئیس‌جمهور ترکیه را مورد خطاب قرار دهد و بگوید اجازه نمی‌دهیم ما در چند دهه گذشته از هم‌تباران تالش خودمان که برای خودمختاری قیام کردند و حکومت خودمختار موقتی نیز تشکیل دادند هیچ حمایتی نکرده‌ایم. ما در مهائل قتل و زندان‌های بلندمدت فعالان فرهنگی تالش به جرم «جاسوسی برای ایران» هیچ اقدامی نکرده‌ایم. ما حتی از فعالان مذهبی و اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان نیز که تحت تأثیر انقلاب اسلامی بودند و هستند حمایت درستی نکرده‌ایم و در مقابل حمله وحشیانه به روستای نارداران و عزاداران حسینی هیچ اقدام متناسبی نداشتیم. ما در مقابل سرکوب کردها در ترکیه به پهنانه برگزار جشن نوروز سکوت کرده‌ایم و در مقابل تعطیلی تلویزیون‌ها و دفاتر فرهنگی شیعیان ترکیه سکوت کرده‌ایم و در مقابل سیاست‌های پانترکیستی اردوغان در منطقه و حملات او به کشورهای همسایه منفعل بوده‌ایم. ما در مقابل سرکوب و زندانی شدن ده‌ها فعال سیاسی و فرهنگی تالش و اسلام‌گرا و حقوق بشری در جمهوری آذربایجان که نگرش مثبت و نزدیکی نیز به ایران داشته و دارند سکوت کرده‌ایم و باکو و ترکیه نیز از سکوت ما ستاخ‌تر شده‌اند و هر سال برای آذربایجانی‌های جهان کنفرانس برگزار کرده‌اند و با احتمال شورش آذری‌های ایران ما را تهدید کرده‌اند و رسماً از گروه‌ها و افراد ضدایرانی حمایت کرده‌اند و ما باز هم سکوت کرده‌ایم.

خوب‌ترین داری و نجابت ما ایرانی‌ها همواره بخشی از روحیه و سرشت‌مان بوده و هست اما باید بدانیم که این نجابت از سوی رقیبا و دشمنان به گونه‌ای دیگر تعبیر شده است. آیا پیش از آنکه کار به این مرحله برسد که برای دفاع از منافع ملی نیازمند برگزاری رزمایش و تهدید دیپلماتیک بشویم نمی‌توانستیم با اقدامات فرهنگی و اجتماعی متقابل این دو کشور همسایه را متوجه کنیم که برخلاف ایران که حضوری چند هزار ساله در این گوشه از نقشه جهان داشته آنان موجودیتی تازه‌بنیاد هستند و مشخص نیست تا چه زمانی دوام بیاورند و اگر ایران بر یک هویت و موجودیت چند هزار ساله تکیه زده آنها خانه‌ای از تار عنکبوت دارند که با کوچکترین اقدام متزلزل خواهد شد و شاید اگر این اقدامات فرهنگی را به موقع به انجام رسانده بودیم اکنون در موقعیت بالاتری ایستاده بودیم و اساساً این رقیبای منطقه‌ای جرات نمی‌کردند به خطوط قرمز ایران نزدیک شوند و یا حتی در ذهن‌شان نیز به چنین خطاهایی بیاندیشند.

به زبان‌ها و اشعار زیبای خود بر غنای فرهنگ این سرزمین افزوده‌اند. من خودم خوشحالم که بگویم ایرانی‌ای هستیم که در آذربایجان به دنیا آمده‌ام و به زبان فارسی زبان سرزمینم عشق می‌ورزم و در اعتلای آن تلاش می‌کنم و در عین حال به لطف و صفای شهرستانی بودن با زبان ترکی کاملاً آشنایی دارم. از اشعار و موسیقی آن نهایت لذت را می‌برم. به راحتی می‌توانم در تخیلاتم در سایه آن شعر معروف محلی ترکی با آن روستایی ساده‌دل هم‌زبان شوم که در انتظار رسیدن یار آتش در سماور می‌اندازد و غم در استکان در جلو خان خانه‌اش را آب می‌پاشد که چون یار می‌آید حتی غباری حایل او و بارش نباشد.

احتمالاً همین احساس را دارد در زبان با شنیدن تصنیف‌ها و شعرهای کردی و آن بلوغ با اشعار محلی‌اش و آن خوزستانی با سرایش آیین زار و فراموش نمی‌کنم در کنار این سروده‌های زیبا، زبان فارسی است که همه ما ایرانیان را به هم ارتباط می‌دهد و به سوی گنجینه‌های همگانی‌مان، که ادبیات فارسی باشد راهنمایی‌مان می‌کند. اینجاست که من و شما و آن کرمانی و آن خراسانی و آن کرد و آن گیلانی با هم اشعار فردوسی و حافظ را می‌خوانیم. سعدی و خیام و مولانا و صائب و خواجه و شهریار و بزرگان دیگر را مال خودمان می‌دانیم. من برای شما و همکاران‌تان استقامت در این راه پرفراز و نشیب آرزو می‌کنم و امیدوارم تلاش‌هایتان مستدام باشد به ثمر برسد و باز هم این مطالب خواندنی را بخوانم.

نتیجه چشم‌پوشی‌های مداوم مقابل باکو و آنکارا

علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد

در چند دهه گذشته که جریان پان‌ترکیسم با اقدامات مداخله‌جویانه ترکیه و جمهوری آذربایجان در منطقه رشد و نمو یافت بسیاری از فعالان فرهنگی و اجتماعی آذربایجان از خیالات خام این دو کشور تازه‌بنیاد همسایه هشدار می‌دادند و از لزوم مقابله به مثل سخن می‌گفتند و متأسفانه همیشه با ممانعت و حتی برخورد نهادهای مسئول به پهنانه‌های مختلف مواجه شدند. همه ناظران و تحلیلگران مسائل قومی متفعل القول هستند که مسائل قومی و زبانی در ایران ریشه داخلی ندارد و همه هیاهوها و فعالیت‌های قوم‌گرایانه با دخالت و حمایت و سازماندهی دولت‌های خارجی صورت می‌پذیرد. آذربایجان نیز از این قاعده مستثنی نیست و بلکه بیش از سایر حوزه‌ها این دخالت و سازماندهی آشکار و روشن است. اگر در برخی از مناطق قومی دیگر محرومیت نسبی ناشی از عوامل جغرافیایی و اقتصادی زمینه و دست کم پوشش مناسبی برای نوعی اعتراض و ناراضی‌ت‌ها باشد و گروه‌های قوم‌گرا با پنهان شدن پشت این خواسته‌ها نیت و اهداف اصلی خود را پنهان می‌کنند اما در آذربایجان به دلیل برخورداری اقتصادی و اجتماعی و سیاسی چنین دستاویزی برای گروه‌های قوم‌گرا وجود ندارد بنابراین ادعاهای و خواسته‌هایشان در آذربایجان کاملاً جنبه قوم‌گرایانه دارد و در سال‌های اخیر نیز تقریباً پرده‌ها افتاده و رسماً جدایی‌طلبانه شده و فعالان این حوزه که عموماً در کشور همسایه ترکیه متمرکز شده‌اند با حمایت دولت‌های منطقه‌ای همسایه و غیرهمسایه به نفرت‌پرانی می‌پردازند و از شبکه ماهوارهای، مرکز مطالعاتی، حمایت و حضور در محافل سیاسی و اندیشه‌کدها و دانشگاه‌ها و رسانه‌های رسمی برخوردارند که نشانگر حمایت دولتی و امنیتی از آنهاست. صرف حضور این افراد که به صورت رسمی علیه تمامیت ارضی و وحدت ملی کشورمان موضع‌گیری و فعالیت می‌کنند می‌تواند محل اعتراض و برخورد ایران باشد با این حال به نظر می‌رسد این فعالیت‌ها با مورد اعتراض ایران قرار نگرفته و یا ترکیه به اعتراض ایران بی‌توجهی کرده است. هر چند فعالیت این افراد و رسانه‌ها هیچ بهره و ثمره‌ای برایشان نداشته و جامعه آذری‌زبانان هیچ توجهی به اقدامات آنها نکرده اما نمی‌توان به تأثیر این تبلیغات سهمگین بر ذهن کودکان و نوجوانان ایرانی بی‌توجه بود و چه بسا این فعالیت‌ها بتواند در دهه‌های آینده به تخریب همبستگی ملی و هویت ملی در مناطق مرزی منجر شود و طبیعتاً تبعات سیاسی و اجتماعی خاص خود را داشته باشد. اطمینان از میهن‌دوستی و ایران‌خواهی مردم آذربایجان نافی مسئولیت مسئولان در خاموش کردن نواهای ضدایرانی نیست و چه بسا این خواب‌گروشی مسئولان ما منجر به طمع و خیال‌خام دشمنان و گستاخی‌های بیشتر شده است و اگر مردم آذربایجان با بی‌محتیایی پاسخ پان‌ترکیها را نمی‌دادند امروز باید با چالش‌های قومی در این منطقه از کشورمان دست و پنجه نرم می‌کردیم. اردوغان در این مسیر آن چنان گستاخ شده که دست کم دویار در گفتگوهای رسانه‌ای خود ایران را تهدید کرده که چنانچه ایران دست از فعالیت‌های منطقه‌ای بر ندارد ما هم آذری‌ها را علیه تهران تحریک خواهیم کرد! سوال اینجاست که دستگاه سیاست خارجی ما چه پاسخ متناسب و مناسبی

حراج یک برگ شاهنامه‌طهماسبی



فرهنگ Culture

ماهنامه فرهنگی وطن یولی سال چهارم | شماره ۵۱ | صفحه ۸

بر اساس گزارش گاردین، یک برگ از شاهنامه شاه طهماسبی، یکی از بهترین نسخه‌های خطی مصور موجود، در حراج ماه آینده ساتنیز بین ۴ تا ۶ میلیون پوند به فروش می‌رسد. این نسخه خطی که مربوط به قرن شانزدهم و زمان حکومت شاه طهماسب بر ایران است، در طول دو دهه به وسیله برخی از بهترین هنرمندان آن زمان تهیه شده است. بندیکت کارتر، رئیس دپارتمان هنرهای اسلامی و هندی ساتنیز گفت: شاهنامه شاه طهماسبی نسخه‌ای عالی از این کتاب است زیرا در تولید آن از بهترین امکانات هنری سلطنتی استفاده شده است.

او افزود: این برگ دارای حجم بالایی از جزئیات است، به طوری که تصویر تا حاشیه صفحه هم رسیده و مخاطب در نقاشی گم می‌شود. این برگ از شاهنامه شاه طهماسبی، به وسیله میرزا علی، یکی از بهترین هنرمندان نسل خود و پسر سلطان محمد، یکی از بزرگ‌ترین نقاشان ایرانی، که او هم روی این نسخه خطی کار کرده، نقاشی شده است.

نسخه خطی شاهنامه شاه طهماسبی به سفارش شاه اسماعیل، بنیانگذار سلسله صفویه ایران

گزارش هشتاد و دومین محفل ماهانهٔ میراث مکتوب؛

حسن انوری: روزی روح بزرگ ایران خاک‌ها را یک تکه خواهد کرد

به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، چهارشنبه، ۲۶ مردادماه ۱۴۰۱، هشتاد و دومین محفل ماهانه و دوستانهٔ مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب، موسوم به شوق دیدار، با حضور جمعی از اساتید و دوستداران فرهنگ ایران‌زمین، در سالن کتابخانهٔ این مؤسسه برگزار شد.

در این جلسه دکتراکبرایرانی، مدیرعامل مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب، پس از خوشامدگویی به حضاران، به ارائهٔ گزارشی از فعالیت‌های مؤسسه در ماه اخیر پرداخت، از جمله برگزاری گرامیداشت زنده‌یاد استاد احمد مهدوی دامغانی در پنجم مردادماه به مناسبت چهلمین روز درگذشت ایشان با همکاری مؤسسهٔ اطلاعات و مؤسسهٔ فرهنگی شهر کتاب.

دکتر ایرانی همچنین با اشاره به درگذشت امیرھوشنگ ابتهاج، از تصحیح ایشان از دیوان حافظ یاد کرد و با اشاره به ملاقاتش با ایشان گفت: ما با دکتر محمد باقری سردبیر مجله میراث علمی اسلام و ایران، خدمت استاد ابتهاج رسیدیم و نسخه‌ای از اقدم نسخ دیوان حافظ کتابت مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب به چاپ رسیده بود، تقدیم‌شان کردیم. تصحیح دیوان حافظ به سعی سایه بر اساس ۲۹ نسخهٔ دستنویس و دو نسخهٔ چاپی (چاپ قدسی و قزوینی) انجام شده که قرار شد در بازنگری و چاپ مجدد، با نسخهٔ ۸۰۱ هم مقابله صورت گیرد.

وطن‌پولی از گان آذربایجانی‌های میهن‌دوست

در ادامه دکتر ایرانی ضمن معرفی نشریه وطن‌پولی، گفت: یکی از نشریاتی که در کشور بی سر و صدا و بدون حمایت جدی منتشر می‌شود ماهنامه

وطن‌پولی (راه وطن) است که دوستانی علاقه‌مندانه این نشریه را چاپ می‌کنند. وی ضمن معرفی داوود دشتبانی بنیان‌گذار و مدیر نشریه وطن‌پولی که در جلسه حاضر بود، از ایشان خواست درباره اهداف نشریه سخن بگوید. داود دشتبانی نیز با اشاره به اهمیت آذربایجان در فرهنگ و ادب و هویت ایرانی، به طرح برخی مسائل و نگرانی‌ها مربوط به آذربایجان پرداخت و گفت: مثل همه ایرانیان، مردم آذربایجان همیشه میهن‌پرست و میهن‌دوست و فدایی میهن بوده‌اند اما چند دهه‌یست که عده‌ای اقلیت تحت عنوان پان ترک ظهور کرده و فعالیت می‌کنند و متأسفانه در این روزها با کمک و مدد مسئولان کشوری و لشکری بازارشان رونق هم دارد و جولان هم می‌دهند و از حمایت مسئولان محلی هم برخوردارند و به عنوانی مختلف و به اشکال گوناگون فعالیت‌های مخرب انجام می‌دهند و وضعیت تأسف‌برانگیزی در شهرهای ما آذری‌ها رقم خورده است.

وی با بیان این که با سیاست‌های بومی‌گزینی دانشگاه، بومی‌کردن معلمین، بومی کردن سرسازی و بومی کردن مسئولین استانی عملاً تجزیه فکری و فرهنگی اتفاق افتاده است، اظهار کرد: وقتی اکثر قریب به اتفاق جمعیت منطقه از دوره دانش‌آموزی تا اشتغال در شهر خودشان هستند و هیچ ارتباطی با سایر مناطق کشور برقرار نمی‌کنند و مسئولین هم بومی و محلی هستند و تربیت ملی هم توسط نظام آموزشی صورت نمی‌گیرد و از آن سو هم تبلیغات و هجمه ترکیه و باکو را داریم و در کنار آنها عربستان و اسرائیل نیز مشغول فعالیت‌اند، طبعاً شرایط خوبی وجود نخواهد داشت.

وی با اشاره به فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای در این زمینه، افزود: چهار شبکه تلویزیونی تجزیه‌طلب فارسی در حال نفرت‌پراکنی علیه ایران و کرد و ارمنی‌ها است؛ و … و تقدیس هویت ترکی و ترکان باستان و ترکان جهان و … هستند.

وی با اشاره به شناخته شده بودن فعالین این قشر و فعالیت‌های‌شان در چندساله اخیر، گفت: استاد خطیبی در تبریز و ارومیه برای شاهنامه برنامه داشته‌اند و آقای ایرانی چندین بار سفر کرده‌اند و موضوع آذربایجان وجهه هست‌شان بوده و این فعالیت‌ها تا حدی اثرگذار بوده و از اتفاقاتی که در آذربایجان دارد رقم می‌خورد و می‌تواند بر اذهان نسل جوان اثر بگذارد و در آینده خطراتی را برای میهن رقم بزند، مانع شده است.

سرپال ساخته و از زبان سلطان عبدالحمید می‌گوید ما

روزی پرچم ترک را در تبریز به اهتزاز در خواهیم آورد و برادران ترک خود را در آذربایجان نجات خواهیم داد. ترکیه چندین سرپال ساخته و مسئولان ما نه واکنش نشان می‌دهند و نه اعتراض می‌کنند و نه همتی دارند و نه کاری انجام می‌دهند و این واقعا درد بزرگی است.

در ادامه دکتر ایرانی خطاب به داود دشتبانی گفت: درود بر همت و عشق شما و ادامه داد: این از افتخارات میراث مکتوب بوده که با کسانی که فقط از روی عشق به وطن و کشورشان عده‌ای در دور خودشان جمع کرده‌اند همراهی و همکاری کرده است. ما الان شاهد تحولی هستیم در آن مناطق و آسوده‌تر می‌توانیم حضور داشته باشیم و نشست برگزار کنیم؛ گرچه همین نشست آذربایجان و شاهنامه که دو ماه پیش در ارومیه برگزار شد، به قدری که تبلیغات منفی همراه شد که آشنشانی و پلیس در اطراف یک جلسه کوچک جمع شده بودند که میبادا اتفاقی بیفتد. البته افرادی هم در جلسه حضور داشتند و سوآلاتی پرسیدند و از سر بی اطلاعی اشکالاتی مطرح کردند که آقای دکتر آیندلو با تسلط کاملی بر حوزه شاهنامه دارند، همگی را پاسخ داد. من به سهم خودم و از طرف همگی به آقای دشتبانی دست مریزاد می‌گویم و برای‌شان آرزوی موفقیت داریم و هر کمکی بتوانیم در خدمت ایشان و همکاران‌شان هستیم.

در ادامه این نشست کاوه تیموری، خوشنویس، شعری از استاد شهریار با مضمون تمجید از ایران و ایرانی خواند:

سال‌ها مشعل ما پیشرو دنیا بود چشم دنیا همه روشن به چراغ ما بود

درج دارو همه در حکم حکیم رازی

برج حکمت همه با بوعلی سینا بود

قرن‌ها مکتب قانون و شفای سینا

با حکیمان جهان مشق خطی خوانا بود

عطر عرفان همه با نسخه شعر عطار

اوج فکرت همه با مثنوی ملا بود

داستان‌های حماسی به سرود و بسزا

خاص فردوسی و آن همت بی همتا بود

خاتم گمشده را باز بچوای ایران

که بدان حلقه جهان زیر نگین ما بود

شهریار از تو نوای نی و ناقوس خوش است

این غزل را نسب از کوس بلند آوا بود

ساخته شده است. پس از درگذشت او، پسرش شاه طهماسب که در آن زمان کودک بود، همچنان بر کار نظارت داشت. این اثر پس از تکمیل، به عنوان هدیه‌ای دیپلماتیک به سلطان سلیم دوم، امپراتور عثمانی داده شد. رکورد قیمت یک اثر اسلامی روی کاغذ متعلق به یک برگ از همین نسخه خطی است که در سال ۲۰۱۱ در ساتنیز به قیمت ۷٫۴ میلیون پوند فروخته شد و اکنون در موزه آقاخان در تورنتو کانادا قرار دارد. برگ‌هایی از شاهنامه شاه طهماسبی در موزه‌هایی از جمله موزه متروپولیتن نیویورک، موسسه اسمیتسونین در واشنگتن، مجموعه هنر اسلامی ناصر خلیلی در لندن و موزه هنرهای معاصر تهران موجود است.

این برگ شاهنامه به عنوان بخشی از حراج هنرهای جهان اسلام و هند ساتنیز ۲۶ اکتبر به حراج گذاشته خواهد شد. از دیگر آثاری که در این حراج به فروش می‌رسند، یک جلد قرآن نفیس متعلق به سال‌های ۷۶–۱۵۷۵ است که قیمت آن بین ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار پوند تخمین زده می‌شود.

پروفوسر ثبوتی: دل قوی دار!

در بخش بعدی پروفوسر یوسف ثبوتی بنیانگذار دانشگاه علوم پایه زنجان به بیان مطالبی پرداخت و در ابتدا با اشاره به غیر قابل مقایسه بودن ظرفیت‌های فرهنگ و تمدن ایرانی با ظرفیت‌های قومیت‌ها، خطاب به دشتبانی گفت: دل قوی‌دار! خیلی نگران نباشید تبریز و آذربایجان بسیار بزرگ‌تر از آن است که افراد بدون اطلاع از تاریخ بتوانند آسیبی به آن بزنند.

بنیانگذار دانشگاه علوم پایه زنجان در ادامه با اشاره به انتخاب سال ۲۰۲۲ از سوی یونسکو به عنوان سال علوم پایه گفت: این انتخاب با نظر به اهمیتی که علوم پایه در تحول دنیای قدیم به ندانیم چه کسی جای او را خواهد

سال گذشته داشته، انجام شده است.

این چهرهٔ ماندگار ادامه داد: ما در سال‌هایی هستیم که تکنولوژی دیجیتال و رباتیک دنیا را به طور کمالاً غیرمترقبه‌ای دارد عوض می‌کند. آقای هراری می‌گوید ۲۰۰ سال پیش آدم می‌توانست پیش‌بینی کند که ۵۰ سال بعد چه اتفاقی خواهد افتاد. حالا ممکن بود یک شاهی وارد شود و ندانیم چه کسی جای او را خواهد گرفت اما اصناف مختلف کار خود را می‌کردند. ولی الان در دنیایی هستیم که نمی‌توانیم تصور کنیم ۲۰ سال آینده چه خواهد شد. علوم و فناوری‌های جدید، مانند رباتیک، دیپ لیرنینگ و متاورس به قدری دنیا را سریع متحول می‌کند که پیش بینی حتی ۱۰ سال آینده هم مشکل است و از این لحاظ یونسکو اسمال را سال جهانی علوم پایه اعلام کرده است.

وی به عنوان یک اختزفزیکی‌دان، با اشاره به به کار گیری تلسکوپ جیمز وب در چند ماه اخیر و نونمندی‌های آن گفت: نتیجهٔ پژوهش‌ها در این زمینه‌ها و همچنین داده‌های تلسکوپ جیمز وب این است که تقریباً الان می‌توانیم مطمئن باشیم هر ستاره‌ای که در آسمان هست اطراف آن هم سیاره‌ای وجود دارد و فقط خورشید ما نیست که سیاره دارد. در کیهانشان ما ۲۰۰ میلیارد ستاره وجود دارد و تقریباً همین تعداد کهکشان وجود دارد. خیلی سیارات شبیه به زمین هم وجود دارد و اگر شبیه زمین هستند و اگر روی زمین حیات هوشمند به وجود آمده، آیا خیلی بعید است که فکر کنیم که چند ۱۰ سال دیگر بتوانیم مطمئن باشیم که در این دنیا کره زمین هیچ حالت استثنایی ندارد و بشری که ما باشیم هیچ حالت استثنایی نداریم و دنیا نظایر زمین و نظایر موجود هوشمند ممکن است بسیار فراوان داشته باشد؟ اینها جنبه‌های روز دانش امروزی است.

دکتر حسن انوری: روح ایران تجزیه‌ناپذیر است

در یکی از سخنرانی‌های اخیر استاد دکتر انوری را یکی از مفاخر و از ادامه دهندگان راه بزرگانی مثل علامه دهنخدا، استاد معین و همکار استاد دبیرسیاقی معرفی کرد و از ایشان درخواست کرد که برای حضاران در جلسه سخن

ادامه از همین صفحه

بگویند

دکتر انوری نیز با ابراز خوشحالی از حضور در جلسه ماهانهٔ میراث مکتوب، گفت: از حضور در مجلسی که از علوم گوناگون حضور دارند بسیار خوشحالم و از آقای ایرانی صمیمانه تشکر می‌کنم و می‌توانم بگویم که «لأسماء تنزل من السماء»؛ ایشان ایرانی به معنای لغوی کلمه هستند که دارند فرهنگ ایرانی را گسترش می‌دهند و از کسانی که به ایران و زبان فارسی کمک می‌کنند، حمایت می‌کنند.

وی ناظر به بحث مطرح شده در جلسه دربارهٔ آذربایجان، گفت: چندی پیش یکی از دوستان از آمریکا به من نامه‌ای نوشت و خیلی ناراحت بود از این که بعضی‌ها می‌گویند و تصور می‌کنند ایران دارد تکه تکه و آذربایجان از ایران جدا می‌شود. من در جواب نوشتم ایران خاکی نیست که تکه تکه شود؛ ایران یک روح است. شما قرن هشتم را در نظر بگیرید؛ در قرن هشتم ایران تکه تکه بود و هر منطقه کوچکی یک حکومت مستقل داشت، اما در همان حال، روح ایران شاعری به جهان هدیه کرد که شاعران جهان در مقابلش سر خم می‌کنند، پس نترسیم. ایران روح است و روح ایران هرگز نخواهد مرد و به نظر من روزی خواهد رسید که این روح بزرگ خاک‌ها را یک تکه خواهد کرد.

دکتر امین‌لو: آذربایجان نوای ضد ایران را نمی‌پذیرد

در بخش بعدی دکتر امین لو، پزشک و نمایند اسبق شیبستر در مجلس شورای اسلامی، دربارهٔ جایگاه آذربایجان در تمدن، فرهنگ و ادب ایران سخن گفت و بیان کرد: نظامی، شاعر اهل آذربایجان، سروده است:

همه عالم تن است و ایران دل / نیست گوینده زین قیاس خجل چون که ایران دل زمین باشد / دل ز تن به بود یقین باشد این عبارات حاکی از آن است که ایران و آذربایجان یکپارچه بوده‌اند و ما دنبال روحی هستیم که تجزیه‌پذیر نیست.

وی ادامه داد: اولین کسی که شعر فارسی گفت رودکی بود. چند سال از آن گذشت که قطران آن قصاید غرا را گفت؟ شاید ۱۵۰ سال بیشتر نگذشته بود. ناصرخسرو قبادیانی در سفرنامه‌اش گفته در تبریز قطران نام شاعری را دیده‌ام که شعر فارسی نیکو می‌سرود. زمانی که شاهنامه فردوسی سروده شد چند سال از آن گذشت که نظامی خسته را سرود؟ اینها پا به پای هم قابل قیاس‌اند؛ یکی از خراسان و یکی از آذربایجان. نقشی که فردوسی از خراسان برای تمدن ایران داشت نظامی هم از آذربایجان پا به پای او چنین نقشی را ایفا کرد. اگر سعدی و حافظ از شیراز برخاستند و غزل را به اوج رساندند و هر کدام سبکی را ابداع کردند، صائب تبریزی نیز سردمدار سبک هندی شد و اشعاری به آن زیبایی را سرود.

وی ادامه داد: انقلابیونی مثل ستارخان و باقرخان از تبریز برخاستند و ایران را حفظ و مشروطیت را پا بر جا کردند. در زمان حمله روس‌ها به ایران در عهد قاجار چه کسانی خون دادند؟ آذربایجان با این که راه‌های ارتباطی‌اش را بسته بودند از ایران جدا نشد. دوست عزیز ما امروز گریه کرد اما ستارخان هم گریه کرد؛ وقتی که بانویی تبریزی گفت ما خاک می‌خوریم ولی خاک نمی‌دهیم. اینها ارزش است. ممکن است نوآوری و چند نفری باشند و کارهایی انجام دهند ولی آذربایجان این‌ها را نمی‌پذیرد. اگر قرار بود بپذیرد در زمان پیشه‌وری انجام می‌شد. شما فکر می‌کنید آذربایجان را پهلوی نجات داد؟ آذربایجان را خود آذربایجانی‌ها نجات دادند. آذربایجانی‌ها تحمل نیاوردند که این کار اتفاق بیفتد. همگی، علمای‌شان، بازرگانان‌شان، با سوادان‌شان، همگی بسیج شدند علیه آن جریان. ایران را هم آذربایجان نجات داده است. در جنگ هشت ساله سردارانی مثل باکری از کجا آمدند؟ من توصیه می‌کنم که نگران نباشید.

وی افزود: این مسائل البته خیلی خوب بود و هشدار است، ولی اگر این‌ها را خیلی پی رنگ کنید انگار که ما نمی‌توانیم خودمان را حفظ کنیم. آذربایجانی بر نمی‌تابد که بگویند آذربایجانی‌ها می‌خواهند آذربایجان را از ایران جدا کنند. به هیچ وجه. آذربایجان سر ایران است و آذربایجان همیشه دل در گرو ایران داشته است. هر چه در آذربایجان هم نوتوانند به فارسی بوده و در واقع ما خودمان را جدای از ایران نمی‌دانیم و خودمان را فدای ایران می‌دانیم.

در ادامه دکتر ایرانی با یادآوری این نکته که دغدغهٔ دوستان بخاطر مسائل ریزی است که بهتر از ما می‌دانند و شاهد فعالیت‌هایی هستند که صورت نمی‌گیرد، اظهار کرد: بعضاً نشریات و کتاب‌هایی آنجا چاپ می‌شود که مسئله‌دار است. به عنوان مثال همین پارسال کتابی به عنوان دیوان ترکی نظامی گنجوی چاپ شد. این کتاب را که وزارت ارشاد به آن مجوز داده و در تبریز چاپ شده بود برای من فرستادند. الان ظاهراً مجوز آن باطل شده است ولی به هر حال پخش می‌شود. این کارها در اثر کم توجهی برخی از مسئولین می‌شود که باید بیشتر توجه کنند. مجلاتی هم هست که خیلی فعالیت دارند و مرتب گزارش‌های آنها می‌آید. به هر حال نگرانی‌ها جدی است.

در ادامه دکتر ایرانی کتاب تازه منتشر شده مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب با عنوان تاریخ رستم خان سپهسالار را معرفی کرد.

داود دشتبانی: برای جوانان نگرانم

در بخش دیگری نیز داوود دشتبانی گفت: من ذره‌ای نگران تجزیه‌ی ایران نیستم ایران یک حقیقت پابرجا بوده و خواهد بود. من نگرانیم و احساساتی شدم و دغدغه‌ام بخاطر جوانان همشهری خودم است که نوکری و مزدوری بیگانه می‌کنند و پرچم بیگانه را به دست می‌گیرند. من نگران آنها هستم هر چند اندک‌اند. همان اعضای فرقه دموکرات چه بیچارگی‌ها و آوارگی‌ها کشیدند. مگر هموطن ما نبودند؟ گمراه شدند و نوکری بیگانه کردند و به چه بیچارگی‌ها افتادند. من عرض کردم این پان ترک‌ها اقلیت اندکی هستند که قطعاً نخواهند توانست به تمامیت ایران ضربه و آسیبی بزنند اما باید نگران همان معدود جوانان این کشور بود که می‌تواند انرژی و انگیزه‌شان در خدمت کشور خودشان قرار بگیرد اما می‌روند مزدوری بیگانه می‌کنند. تبلیغ بیگانه می‌کند. همین برای من آذری ننگ و خفت است و من ناراحت آنها هستم. وی با بیان نقل قولی از زنده‌یاد امین‌ریاحی سخن به پایان برد و گفت: زنده‌یاد محمد امین ریاحی خوبی به شوخی به دوستی گفته بود «جوان مگر تو آذری هستی که اینقدر میهن‌پرستی؟!». آذری‌ها همیشه همین طور بوده‌اند و خواهند بود.

در بخش دیگری از این محفل دکتر محمود جعفری دهقی پس از اشاره به هدف انجمن ایرانی‌شناسی پایه‌گذاری شده در دانشگاه تهران برای معرفی بهتر ایران به جوانان، به معرفی نشریهٔ علمی دوزبانۀ «زبان و کتیبه» پرداخت که تا کنون ۴ شماره از آن به چاپ رسیده است. بخش دیگری از این نشست به شعرخوانی محمدحسین ساکت اختصاص داشت که شعری سروده شده را برای حضاران خواند.



سروده است:

همه عالم تن است و ایران دل / نیست گوینده زین قیاس خجل چون که ایران دل زمین باشد / دل ز تن به بود یقین باشد این عبارات حاکی از آن است که ایران و آذربایجان یکپارچه بوده‌اند و ما دنبال روحی هستیم که تجزیه‌پذیر نیست.

وی ادامه داد: اولین کسی که شعر فارسی گفت رودکی بود. چند سال از آن گذشت که قطران آن قصاید غرا را گفت؟ شاید ۱۵۰ سال بیشتر نگذشته بود. ناصرخسرو قبادیانی در سفرنامه‌اش گفته در تبریز قطران نام شاعری را دیده‌ام که شعر فارسی نیکو می‌سرود. زمانی که شاهنامه فردوسی سروده شد چند سال از آن گذشت که نظامی خسته را سرود؟ اینها پا به پای هم قابل قیاس‌اند؛ یکی از خراسان و یکی از آذربایجان. نقشی که فردوسی از خراسان برای تمدن ایران داشت نظامی هم از آذربایجان پا به پای او چنین نقشی را ایفا کرد. اگر سعدی و حافظ از شیراز برخاستند و غزل را به اوج رساندند و هر کدام سبکی را ابداع کردند، صائب تبریزی نیز سردمدار سبک هندی شد و اشعاری به آن زیبایی را سرود.

وی ادامه داد: انقلابیونی مثل ستارخان و باقرخان از تبریز برخاستند و ایران را حفظ و مشروطیت را پا بر جا کردند. در زمان حمله روس‌ها به ایران در عهد قاجار چه کسانی خون دادند؟ آذربایجان با این که راه‌های ارتباطی‌اش را بسته بودند از ایران جدا نشد. دوست عزیز ما امروز گریه کرد اما ستارخان هم گریه کرد؛ وقتی که بانویی تبریزی گفت ما خاک می‌خوریم ولی خاک نمی‌دهیم. اینها ارزش است. ممکن است نوآوری و چند نفری باشند و کارهایی انجام دهند ولی آذربایجان این‌ها را نمی‌پذیرد. اگر قرار بود بپذیرد در زمان پیشه‌وری انجام می‌شد. شما فکر می‌کنید آذربایجان را پهلوی نجات داد؟ آذربایجان را خود آذربایجانی‌ها نجات دادند. آذربایجانی‌ها تحمل نیاوردند که این کار اتفاق بیفتد. همگی، علمای‌شان، بازرگانان‌شان، با سوادان‌شان، همگی بسیج شدند علیه آن جریان. ایران را هم آذربایجان نجات داده است. در جنگ هشت ساله سردارانی مثل باکری از کجا آمدند؟ من توصیه می‌کنم که نگران نباشید.

وی افزود: این مسائل البته خیلی خوب بود و هشدار است، ولی اگر این‌ها را خیلی پی رنگ کنید انگار که ما نمی‌توانیم خودمان را حفظ کنیم. آذربایجانی بر نمی‌تابد که بگویند آذربایجانی‌ها می‌خواهند آذربایجان را از ایران جدا کنند. به هیچ وجه. آذربایجان سر ایران است و آذربایجان همیشه دل در گرو ایران داشته است. هر چه در آذربایجان هم نوتوانند به فارسی بوده و در واقع ما خودمان را جدای از ایران نمی‌دانیم و خودمان را فدای ایران می‌دانیم.

در ادامه دکتر ایرانی با یادآوری این نکته که دغدغهٔ دوستان بخاطر مسائل ریزی است که بهتر از ما می‌دانند و شاهد فعالیت‌هایی هستند که صورت نمی‌گیرد، اظهار کرد: بعضاً نشریات و کتاب‌هایی آنجا چاپ می‌شود که مسئله‌دار است. به عنوان مثال همین پارسال کتابی به عنوان دیوان ترکی نظامی گنجوی چاپ شد. این کتاب را که وزارت ارشاد به آن مجوز داده و در تبریز چاپ شده بود برای من فرستادند. الان ظاهراً مجوز آن باطل شده است ولی به هر حال پخش می‌شود. این کارها در اثر کم توجهی برخی از مسئولین می‌شود که باید بیشتر توجه کنند. مجلاتی هم هست که خیلی فعالیت دارند و مرتب گزارش‌های آنها می‌آید. به هر حال نگرانی‌ها جدی است.

در ادامه دکتر ایرانی کتاب تازه منتشر شده مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب با عنوان تاریخ رستم خان سپهسالار را معرفی کرد.



در بخش دیگری نیز داوود دشتبانی گفت: من ذره‌ای نگران تجزیه‌ی ایران نیستم ایران یک حقیقت پابرجا بوده و خواهد بود. من نگرانیم و احساساتی شدم و دغدغه‌ام بخاطر جوانان همشهری خودم است که نوکری و مزدوری بیگانه می‌کنند و پرچم بیگانه را به دست می‌گیرند. من نگران آنها هستم هر چند اندک‌اند. همان اعضای فرقه دموکرات چه بیچارگی‌ها و آوارگی‌ها کشیدند. مگر هموطن ما نبودند؟ گمراه شدند و نوکری بیگانه کردند و به چه بیچارگی‌ها افتادند. من عرض کردم این پان ترک‌ها اقلیت اندکی هستند که قطعاً نخواهند توانست به تمامیت ایران ضربه و آسیبی بزنند اما باید نگران همان معدود جوانان این کشور بود که می‌تواند انرژی و انگیزه‌شان در خدمت کشور خودشان قرار بگیرد اما می‌روند مزدوری بیگانه می‌کنند. تبلیغ بیگانه می‌کند. همین برای من آذری ننگ و خفت است و من ناراحت آنها هستم. وی با بیان نقل قولی از زنده‌یاد امین‌ریاحی سخن به پایان برد و گفت: زنده‌یاد محمد امین ریاحی خوبی به شوخی به دوستی گفته بود «جوان مگر تو آذری هستی که اینقدر میهن‌پرستی؟!». آذری‌ها همیشه همین طور بوده‌اند و خواهند بود.

در بخش دیگری از این محفل دکتر محمود جعفری دهقی پس از اشاره به هدف انجمن ایرانی‌شناسی پایه‌گذاری شده در دانشگاه تهران برای معرفی بهتر ایران به جوانان، به معرفی نشریهٔ علمی دوزبانۀ «زبان و کتیبه» پرداخت که تا کنون ۴ شماره از آن به چاپ رسیده است. بخش دیگری از این نشست به شعرخوانی محمدحسین ساکت اختصاص داشت که شعری سروده شده را برای حضاران خواند.



از ایشان درخواست کرد که برای حضاران در جلسه سخن

حجایی کرلانگیج که به تازگی به عنوان سفیر جمهوری ترکیه در تهران معرفی شده، مولوی‌شناس و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است.

رسانه‌های ترک اعلام کردند، مولود چاووش‌اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، حجایی کرلانگیج را که سابقاً سفیر ترکیه در دهلی‌نو بود، به عنوان سفیر این کشور در تهران (ایران) منصوب کرده است.
حجایی در طول سال‌های فعالیت علمی خود، برخی از آثار درجه اول زبان و ادب فارسی، از جمله دیوان حافظ، مثنوی مولوی، گلستان سعدی و چند اثر مهم دیگر را به زبان ترکی ترجمه کرده است. او سال گذشته، برنده جایزه ویژه روز ملی حافظ شد و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را نیز در کارنامه خود دارد.
حجایی همچنین عضو هیئت مدیره انجمن مولاناپژوهی و عضو اتحادیه نویسندگان ترکیه است. او در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ و نیز، ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ رییس اتحادیه نویسندگان ترکیه بوده است.
کرلانگیج همچنین دیوان کامل حافظ را نیز به زبان ترکی استانبولی ترجمه کرده است و به دلیل ترجمه آن در سال گذشته ششمین نشان درجه یک علمی حافظ‌شناسی را به دست آورد.

استاد ادبیات فارسی سفیر ترکیه در ایران



ارزیابی خطر تجزیه‌طلبی



پس از ظهور جنبش اعتراضی مهسا (از اواخر شهریور و همراه ۱۴۰۱) امیدها و نگرانی‌های گوناگونی در افکار عمومی مطرح شده است. یکی از نگرانی‌ها، نگرانی از خطر تجزیه سرزمینی ایران است. هدف این نوشته ارزیابی و سنجش همین خطر در زمینه کنونی جامعه ایران است. پاسخ اجمالی من این است که ملت و کشور ایران پدیده‌ای ریشه‌دار است و با هر بادی نمی‌لرزد، ولی بنا به سه توضیح زیر نیروهای دلسوز جامعه مدنی و نیروهای حکومتی نباید خطر «تجزیه‌طلبی» را نادیده بگیرند.

اولین نگرانی هنگامی است که نظم سیاسی ضعیف می‌شود، آنگاه خطر تجزیه سرزمینی را نمی‌توان جدی نگرفت. بیشتر توضیح می‌دهم. ایران ملت و کشوری قدیمی است. ایران از لحاظ تاریخی یک مجموعه واحد و در عین حال متکثر از اقوام بوده است. در این کشور همزیستی قومی امری قدیمی است و زبان فارسی هم یک وسیله ارتباطی بین قومی بوده است.

۱ ایران در عین حال ملت و کشوری مدرن نیز هست. ایرانیان در دوران جدید در جنبش‌های گوناگون تلاش کردند آینده بهتری از حیث سیاسی و اقتصادی و فرهنگی داشته باشند. به‌عنوان مثال تلاش مشروطه‌خواهان و سایر جنبش‌های ملی تا جنبش اخیر مهسا تلاش یک قوم برای ساختن ایران نبوده است بلکه یک تلاش سراسری و از سوی همه اقوام بوده است. به‌رغم وحدت در عین کثرت در ایران، از زمانی‌که دولت بروکراتیک جدید در ایران شکل گرفت، به موازاتش در یکصد سال اخیر دو پدیده شکل

گرفته است. اولین پدیده این است که دولت‌های ایران در کاهش تبعیض‌های قومی و در پذیرش نمایندگی سیاسی آن‌ها موفق نبوده‌اند. لذا در ایران ما با ناراضیاتی قومی در میان کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و ترک‌ها روبه‌رو هستیم. پدیده دوم اگرچه پدیده لاغری است ولی وجود دارد: به‌نام «پان‌ها» مثل پان‌ترک‌ها، پان‌کردها و پان‌عرب‌ها. در شرایط عادی کشور، «پان‌ها» نیروی نگران‌کننده‌ای برای تجزیه سرزمینی ایران نیستند و نیرویی خفته و حاشیه‌ای هستند. اما وقتی نظم سیاسی-امنیتی به هر دلیل در ایران ضعیف شود، پان‌ها مجال فعال شدن پیدا می‌کنند. به بیان دیگر با اینکه از حیث ملی-قومی کشور ایران کشور آرامی است، ولی در دوره ۱۳۲۰ و ۱۳۵۷ که نظم سیاسی متزلزل شد «پان‌ها» نیز فعال شدند. لذا یکی از وجوه نگرانی از سوری شدن، نگرانی از فعال شدن فعالیت‌های جدایی‌طلبان قومی است.

۲ در شرایط «جامعه و دولت ناتوان» خطر تجزیه قابل تامل می‌شود. توضیح می‌دهم که چگونه. جنبش اعتراضی و ملی مهسا دارای دو لایه است. لایه اول آن همان برانگیختگی مردم ایران در پی درگذشت مهسا امینی (دختر ۲۲ساله کردی که هنگام سفر به تهران از سوی گشت ارشاد به‌خاطر پوشش دستگیر شد و در زمان دستگیری از هوش رفت و در بیمارستان کسری جان باخت) است. پس از مرگ مهسا جامعه ایران با یک جنبش اعتراضی در سطح کشور روبه‌رو شد. اعتراضات گسترده‌ای در ده‌ها شهر و دانشگاه کشور در بیش از ۲۰روز شکل گرفت که هنوز خاتمه نیافته است. مطالبه این جنبش بی‌رهبر، مخالفت با گشت ارشاد، حجاب اجباری و مخالفت با تحمیل سبک زندگی است. این مطالبه خود را در شعار «زن، زندگی و آزادی» و «مرد، میهن و آبادی» نشان داد. متأسفانه هنوز پاسخ اذعان‌کننده و عملی به این جنبش داده نشده است.

لایه دوم این جنبش در دو هفته پس از آغاز این جنبش، جدی شد. اگر در فاز اول جنبش، مطالبه جنبش اهداف مربوط به سبک زندگی و پوشش زنان بود، در فاز دوم خصوصاً با مداخله رسانه‌های ماهواره‌ای در خارج از کشور (تولیزویون ایران‌اینترنشنال بن‌سلمان، بی‌بی‌سی فارسی و من‌وتو در لندن) مطالبه جنبش به امر «سرنگونی حکومت» تبدیل شده است.

به‌رغم این‌که بخش قابل توجهی از مردم ایران مخالف بعضی از سیاست‌های موجود هستند، ولی این جنبش که عمدتاً از جوانان و زنان تشکیل شده و اقتدار اصلی شهرها به آن نپیوستند قادر نیست که هدف تغییر ساختار را دنبال کند. در مقابل، حکومت ایران یک حکومت پوشالی نیست و خود حکومت هم جنبشی است و قادر است بخش زیادی از مردم را به نفع خود بسیج کند و به‌طور جدی در برابر مطالبه سرنگونی حکومت مقاومت می‌کند و حتی ممکن است فرایند مقابله تشدید شود. بنابراین نکته مهم این است که در جامعه ایران چالشی شکل گرفته که ممکن است نظم سیاسی به تدریج ضعیف شود.

حجایی کرلانگیج که به تازگی به عنوان سفیر جمهوری ترکیه در تهران معرفی شده، مولوی‌شناس و پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است.

رسانه‌های ترک اعلام کردند، مولود چاووش‌اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، حجایی کرلانگیج را که سابقاً سفیر ترکیه در دهلی‌نو بود، به عنوان سفیر این کشور در تهران (ایران) منصوب کرده است.
حجایی در طول سال‌های فعالیت علمی خود، برخی از آثار درجه اول زبان و ادب فارسی، از جمله دیوان حافظ، مثنوی مولوی، گلستان سعدی و چند اثر مهم دیگر را به زبان ترکی ترجمه کرده است. او سال گذشته، برنده جایزه ویژه روز ملی حافظ شد و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را نیز در کارنامه خود دارد.
حجایی همچنین عضو هیئت مدیره انجمن مولاناپژوهی و عضو اتحادیه نویسندگان ترکیه است. او در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ و نیز، ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ رییس اتحادیه نویسندگان ترکیه بوده است.
کرلانگیج همچنین دیوان کامل حافظ را نیز به زبان ترکی استانبولی ترجمه کرده است و به دلیل ترجمه آن در سال گذشته ششمین نشان درجه یک علمی حافظ‌شناسی را به دست آورد.

ایران آباد و آزاد و یکپارچه آرمان ملت؛

دریغ است ایران که ویران شود



دشمنان این مرز و بوم از دخواهی او برای آسیب زدن به همبستگی و یکپارچگی این ملت آسیب برزند.

در گام دوم اندوه این حادثه موجب همدردی و اعتراض گروه‌هایی از مردم ونخبگان و دانشجویان شد که حقی قانونی و طبیعی است و مسوولان نیز باید زمینه‌ها و امکان اعتراض در موضوعات مختلف را پدید بیآورند تا براساس اصل ۲۷ قانون اساسی مردم بتوانند سخن و مطالبات خود را به شیوه مدنی و قانونی ابراز کنند. بدون شک انباشت خواسته‌ها و مطالبات مردمی و عدم ابراز آنها و مطالبه پاسخ و یا برآورده شدن این خواسته‌ها موجب ایجاد خشم و پنهان در جامعه خواهد شد و اعتماد عمومی را تخریب خواهد کرد. کاهش اعتماد عمومی منجر به از هم گسیختگی اجتماعی خواهد شد و جامعه را مقابل خطرات بیرونی آسیب‌پذیر خواهد کرد. جامعه‌ای که از اعتماد عمومی و همبستگی اجتماعی بالایی برخوردار باشد هرگز با جنگ روانی دشمنان بیرونی دچار خدشه و آسیب نخواهد شد. وجود نهادهای واسطه میان مردم و حکومت نیز از میزان همبستگی و امنیت ملی را افزایش می‌دهد نهادهایی که پیام‌ها و خواسته‌ها و سخن مردم را به حکومت منتقل می‌کنند و در مواقع لزوم نیز می‌توانند حمایت و پشتیبانی ملت را در لحظات سرنوشت‌ساز برای حمایت فراهم کنند از موضوعات ضروری در اداره جامعه است. تضعیف این نهادهای منجر به شرایطی می‌شود که جامعه توده‌وار پس از انباشت خواسته‌ها و مطالبات در حالی که امکان گفتگو از او سلب شده است دچار خشتت و آشوب می‌شود و به اقدامات کور و بی‌هدف دست می‌زند نه می‌تواند سخن و پیام خود را به درستی منتقل کند و نه به دستاورد و هدف مشخص و سودمندی دست پیدا می‌کند. ناامیدی و سرخوردگی در چنین جامعه‌ای امری بدیهی است که می‌تواند به اشکال تندتر نیز خود را نشان بدهد. بدون تردید مدیریت خواسته‌ها و روابط نهادهای واسطه مردم و حکومت و تن دادن به حضور و فشار آنها سخت و پیچیده است اما آینده‌ای روشن رو به رشد و توسعه نتیجه آن خواهد بود اما مواجهه با جامعه توده‌وار ممکن است در این‌ت ساله به نظر

برسد اما آینده‌ای مبهم و نامشخص را در پی دارد و ممکن است حاکمان را با پدیده‌های غیرقابل کنترل و مدیریت مواجه کند.
ملت ایران در طول تاریخ نشان داده‌اند که ملتی شایسته بهترین‌ها هستند و در سخت‌ترین روزهای هشت سال دفاع مقدس با نثار جان عزیزترین جوانان خود برای دفاع از این مرز و بوم سر از پا نشاناخته‌اند در سال‌های اخیر نیز با وجود تحریم‌های کمرشکن و فشارهای اقتصادی مدافع میهن و مرزوبوم بوده و هستند و شایسته است نهادهای مسئول نیز به قدرشناسی این فرهنگ و تمدن تمام تلاش خود را در رفع موانع خواسته‌های ملت‌نشان دهند و با تجدیدنظر در برخی عملکردهای نامواب آرامش و امنیت را به جامعه بازگردانند و امکان هرگونه سواستفاده از دشمنان این مرزوبوم را سلب کنند.

در نهایت اعتراضات مردمی و برخی برخوردهای نادرست با این اعتراضات زمینه را برای حضور آشوبگران و عوامل وابسته به گروهک‌های تروریستی فراهم کرد. حادثه تروریستی زاهدان نشان داد که این گروهک‌ها چه آینده سیاه و دردناکی را برای ایران بزرگ و مقتدر در خواب دیده‌اند. تصور اینکه ایران نیز همانند برخی کشورهای تازه بنیاد می‌تواند زمین اقدامات ضدانسانی و تروریستی دشمنان این مرزوبوم شود خیالی خام و ابلهانه است و پیش از همه ملت ایران با هویشاری و درایت مانع تحقق چنین سناریو خطرناکی خواهند شد پیام تئویتری یک روزنامه‌نگار اسرائیلی با متن «بای بای ایران» و نظرخواهی صریح دیگر روزنامه‌نگار اسرائیلی در مورد حمله نظامی از رزم به ایران در میانه اعتراضات نشان داد که دشمنان متوثر کوچکترین ضعف ایران هستند تا خیالات خام خود را بی بگیرند غافل از اینکه پیوستگی‌های عمیق و نهان در روح و ذهن هر ایرانی چنان ریشه‌دار و مستحکم است که به وقت خود مانع تحقق هر سناریوی ضدایرانی است و در نهایت نخواهد گذشت آسیب جدی به یکپارچگی ایران عزیز وارد شود. البته آسیب‌های دیگر این وقایع که بر آرامش روانی جامعه و به تبع آن بر مسائل اقتصادی و اجتماعی تاثیر می‌گذارد متأسفانه چابوچاست. شویبختانه آسیبی که ایران در نتیجه مهاجرت نخبگان متحمل می‌شود به شهادت کارشناسان و تحقیقات بسیار جدی‌تر و عمیق‌تر از تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان هست و معکوس کردن این روند تنها از طریق بازگشت اعتماد عمومی و ترمیم شکاف میان گروه‌های اجتماعی ممکن است؛ دویارچه شدن ملت ایران و صف‌آرایی دو گروه مقابل هم هر چند در نهایت با غلبه یکی بر دیگری به پایان برسد در نهایت به زیان هر دو گروه همبستگی فراهم کنند؛ البته وحدت نیز با یکسونگری و غالب شدن یک نگاه و یک دیدگاه به مسائل ممکن نیست بلکه بایستی با گفتگو در فضای سالم و به دور از هیاهو سخنان به حق و منطقی را پذیرفت و در جهت اصلاح معایب و عملکردها و نگاه‌های نادرست کوشید. جامعه‌ای که از این طریق ساخته شود در مقابل هر توطئه و نفوذی بیمه خواهد بود و دشمنان هرگز نمی‌توانند برای آسیب به آن از درون اقدامی کنند.

وطن‌یولی: درگذشت زنده یاد مهسا امینی موجی از اندوه و اعتراض را جامعه ایجاد کرد. این اندوه و خشم از مرگ یک هم وطن بیگناه یکی از جلوه‌های باشکوه نوع‌دوستی و ملت‌بودگی مردمان این سرزمین را نشان داد. هیچ یک از کسانی که اندوهگین شدند مذهب و قومیت و شهر این دختر جوان و بیگناه برایشان مطرح نبود و از تصور ظلم بر هموطنی بیگناه در اندوه خانواده او شریک شدند. نجابت و اصالت خانواده مهسا نیز بسیار ستودنی و در شأن یک ایرانی نژاده بود که با وجود اندوهی که می‌تواند منشا خشمی بی‌محبا و افسارگسیخته شود در مرزبندی آشکار با گروهک‌های تجزیه‌طلب که برای سواستفاده از مرگ این دختر جوان سقری شادمانه بر طبل نفرت می‌کوبیدند قردان بیبوند و همبستگی ملت هستند و بارها تاکید کردند: «ما مسیر دادخواهی در مراجع قضایی را انتخاب کرده ایم. از مقامات ذریبط و مسئولان مربوطه درخواست می‌کنیم؛ طبق قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه و مطابق وعده‌های صریح ریاست محترم قوه، تمامی تلاش خود را در جهت کشف حقیقت علت این مرگ هولناک و نیز نحوه برخورد با فرزندان مهسا از لحظه بازداشت غیرقانونی و اعزام وی به مرکز پلیس موسوم به گشت ارشاد به عمل آورند و با این کار هم از تکرار چنین فجایی جلوگیری به عمل آید و هم از حقوق اولیای دم صیانت نمایند.» پدر و مادر و دایی و عموی مهسا به عنوان نزدیک ترین اعضای خانواده پیام‌هایی سرشار از میهن دوستی و نجابت خطاب به مردم صادر کردند.

دایی مهسا امینی نیز در موضعی روشن‌تر صف این خانواده را از دشمنان ایران و ایرانی جدا کرد و گفت: «ما به هیچ‌وجه نگاه قومیتی نداریم. هر کسی به هر نحوی می‌خواهد این موضوع را قومیتی کند، صد در صد اشتباه می‌کند. خانواده‌ی ما، خانواده‌ی ایران به هیچ‌وجه چنین نگاهی ندارند و آن‌را کاملاً غلط می‌دانند. ایران یک‌پارچه است. کسی که بندرعباس زندگی می‌کند، ساکن آذربایجان است، کسی که در لرستان و تهران است، همه را مثل خودمان داغ‌دیده می‌دانیم. همه‌ی ما انسانیم و کاری که مردم تهران برای ما کردند،

کاری که مردم آذربایجان کردند، کاری که مردم هرمزگان و اصفهان و شیراز و هر جای ایران کردند. ما با هم این ندارا سر می‌دهیم. ما یکپارچه‌ایم.»

وفا عالی‌ت تاکید کرد که از قول ما بگوئید و زبان ما باشید: «نه شخص من و نه خانواده‌ی من به هیچ‌وجه معتقد نیستم که چون کرد هستیم از مردم ایران جاییم. همه‌ی ایران خانواده‌ی ماست. همه‌ی افراد با شعور این کشور خانواده‌ی من هستند. ما هرگز طرفدار چنین ادبیاتی نیستیم. ما تابع ادبیات فردوسی و مولوی و سعدی و حافظ و شهریار تمام مشاهیر کرد و فارس و عرب و ترک هستیم. ما با ادبیات مشترکی که داریم و من الا ن با همان حرف می‌زنم. با یکدیگر حرف می‌زنیم. من اگر آتری بودم با همین زبان حرف می‌زدم. زبان فقط یک لحقه‌ی اتصال است. ما در یک خاک زندگی می‌کنیم و خاکمان برای ما مقدس است. از بزرگ و کوچک خانواده ما به این اعتراف می‌کنیم که ما مردم ایران بر هر زبان و هر عقیده، یکی هستیم. ما فکر می‌کنیم مهسا بیشتر از اینکه ما باشد، مال همه مردم ایران است.»

او افزود: «این نکته هم بسیار حائز اهمیت است که در نگاه قومیتی مخاطب مردم نیست و در بسا در مواضع و جایگاه دولتی هم رسانه‌های و اشخاصی وجود دارند کسانی که به این موضوع دامن می‌زنند اما دغدغه‌ی مردم ایران مسائل دیگری است و متحد و یکپارچه‌اند»

دایی مهسا امینی تاکید کرد مرگ خواهرزاده‌اش را از راه قانونی و درست و با روش خودشان پیگیری خواهند کرد: «آن‌چه ما می‌خواهیم فقط در چارچوب حقوقی است که خدا به انسان داده است و شخصاً به‌عنوان فردی از خانواده‌ی مهسا و نماینده‌ی آن‌ها می‌گویم که زبان ما زبان ادب است و اگر مطالبه‌ای داریم از همین مسیر پیش می‌رویم هر چه از دهان ما خارج شود در نهایت ادب خواهد بود. ما نمی‌خواهیم حتی به کسانی که حق‌مان را ضایع کردند، اساعه‌ی ادب کنیم. او در ادامه گفت: «ما باید به تمام دنیا نشان دهیم که اگر مطالبه‌ای داریم، از راه شعور و فهم و عقل این مطالبه را پیگیری می‌کنیم. ما پورشگر و ظالم نیستیم. مردم ایران این تربیت نیستند. مردم ایران بی‌شعور نیستند. همان‌طور که ادبیات ما زبان ادب و تربیت است، ما با همان زبان حق‌مان را می‌گیریم و حقوق‌مان را پیگیری می‌کنیم تا به آن برسیم.» هدف ما رسیدن به آرامش است، آرامشی که حق همه‌ی مردم هست، مطالبه‌ی دیگری نداریم. دایی مهسا امینی پس از بیان این نکته در پایان حرف‌هایش گفت: «راه اسلام حقیقی که به ما معرفی شده درست و با عقل و شعوری زندگی کردن است. مردم ایران تابع آن «به درستی زستن» هستند. ما می‌خواهیم در کنار هم‌دیگر بهترین‌ستی زندگی کنیم. ما بی‌سودم ایران روش درست زندگی کردن را می‌دانند، تمدنی دارند که می‌توانند به‌خوبی کنار هم زندگی کنند. وای بر کسانی که این حال خوب را از مردم می‌گیرند. امیدوارم به روزی و جایی برسیم که بتوانیم به‌خوبی وصلح و صفا در کنار هم زندگی کنیم»

این سخنان به روشنی عمق فرهنگ و تمدن ایران را در لایه‌های ناشناخته و پنهانش نشان می‌دهد و در حالی که اگر یک خانواده دغدیده به ویژه در روزهای ابتدایی چنین حادثه‌ای از دایره خویشتن‌داری و بیروی از منطق و ادب و اعتدال خارج شود هیچ کس بر آنان خرده نمی‌گیرد اما خانواده مهسا نشان دادند ملت ایران همواره پیش و بیش از حق فردی پاسدار مصلحت و هویت ملی خود بوده و هست و حتی در زمان غم و اندوه نیز اجازه نمی‌دهد

^[1] در گام دوم اندوه این حادثه موجب همدردی و اعتراض گروه‌هایی از مردم ونخبگان و دانشجویان شد که حقی قانونی و طبیعی است و مسوولان نیز باید زمینه‌ها و امکان اعتراض در موضوعات مختلف را پدید بیآورند تا براساس اصل 27 قانون اساسی مردم بتوانند سخن و مطالبات خود را به شیوه مدنی و قانونی ابراز کنند

«شب وطن یولی» از سلسله شب‌های بخارا با همت مجله بخارا عصر دوشنبه ۱۴ شهریور در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این نشست که با سخنرانی و اجرای علی دهباشی و به مناسبت انتشار پنجاهمین شماره ماهنامه وطن یولی برگزار شد حسن انوری و دکتر علی اشرف صادقی دو عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و حمید احمدی استاد علوم

سیاسی دانشگاه تهران، مسعود عرفانیان پژوهشگر و داود دشتیبانی صاحب امتیاز و مدیرمسئول ماهنامه وطن یولی به سخنرانی پرداختند و پیام تصویری دکتر ژاله آموزگار استاد زبان‌های باستانی دانشگاه تهران نیز در مراسم پخش شد. اجرای عاشیق آذربایجانی قدرت میرزاپور و حسنعلی میرزاپور و شاهنامه خوانی زمرد یزدانی از دیگر بخش‌های این مراسم بود.

وطن یولی دوستدار زبان بومی آذربایجان

داود دشتیبانی صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول ماهنامه وطن یولی در این مراسم ضمن معرفی ماهنامه وطن یولی اظهار داشت: لطف و توجهی که استادان و سخنرانان بزرگوار درباره وطن یولی و بنده داشتند قاعدتاً به خاطر اهمیت موضوع وطن یولی یعنی آذربایجان است و گرچه نشریاتی با محتوای ارزشمندتر و نظم و ترتیب مناسب‌تر کم نیستند؛ بنابراین اجازه می‌خواهم بعد از چند جمله کوتاه درباره وطن یولی به موضوع اصلی یعنی آذربایجان بپردازم. وطن یولی دوستدار زبان اصیل و بومی ترکی آذربایجانی است و مقابل بیگانه‌گرایی که با زودن و محو این زبان قصد دارند زبانی بیگانه که فرهنگ و تمدن ایران را بر مردم آذری تحمیل و غالب کند ایستاده است. ادبیات ترکی آذربایجانی برای قرن‌ها در آغوش زبان و ادبیات غنی فارسی نشو و نما یافته و سرشار از مضامین میهن‌دوستانه و ارجاع و بهره‌گیری از ادبیات زبان فارسی است و از ادبیات اصیل ترکی آذربایجانی نمیتوان کوچکترین بهره‌ای برای ایران ستیزی برد. مردم آذربایجان نیز به آزمون تاریخ و نتایج نظرسنجی‌های علمی ایران پرست‌ترین ایرانیان بوده و هستند، اما گروهی اندک، اما پرهیاهو به مدد و کمک برخی افراد قدرت‌پرست و انشاءالله ناگاه، چهره ما مردم آذربایجان را مقابل دیده جهانیان به ننگ قوم‌پرستی و دیگرستیزی و دشمنی با دانش و آگاهی و بیگانه‌پرستی آلوده است و وطن یولی صدای آذربایجان است که گاهی از گلوئی ستارخان، گاهی استاد شهریار و شهید غفور جدی اردبیلی برآمده است.

دشتیبانی افزود: آذربایجان امروزه دچار دروغ و دشمنی است. از ابتدای تاریخ ایران، مردم آذربایجان میهن پرست‌ترین ایرانیان و مدافع سرسخت هویت ایرانی بوده‌اند و امروزه نیز با دروغ و دشمن در جنگ‌اند. بی دلیل نیست که آذربایجان را سر ایران نامیده‌اند و دشمن هم اگر بخواهد حمله کند سر را نشانه می‌گیرد. اگر بخواهند ایران، میهن عزیز ما را از پای در آورند باید میهن پرست‌ترین ایرانیان و سر ایران را نشانه بگیرند و البته آذربایجان مقابل اسکندر، اعراب، مغول و ترک‌های عثمانی و روس‌ها دژ تسخیرناپذیر بوده و از این آزمون هم با سربلندی بیرون خواهد آمد چرا که ما آذربایجانیها «اگر سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم».

دشتیبانی ادامه داد: با این حال ناپستی غافل بود که جنگ‌های امروزی پیچیده‌تر و سهمناک‌تر از دشمن‌های تاریخی است. دکتر نصرالله پورجوادی حدود ۲۰ سال پیش در مقاله‌ای با عنوان «ایران مظلوم» به بهانه انتشار کتاب سیری در لهجه‌های زبان ترکی دکتر، دکتر جواد هیئت سلسله‌چنین‌پان ترکیسم در چند دهه اخیر به سفر خود در سال ۱۳۵۴ به عراق اشاره کرده‌اند. دکتر پورجوادی در این مقاله اشاره کرده که در سال ۱۳۵۴ می‌شد حرکت تانک‌های فرهنگی صدام را به سوی ایران مشاهده کرد و چاره‌ای اندیشید. وقتی نقشه‌های خوزستان اشغال شده و ادعاهای بعضی درباره خاک پاک میهن از سال‌ها پیش مطرح بود، ما برای خاموش شدن این نوای ضحاک چه کردیم؟ آیا جنگ خونین هشت‌ساله دفاع مقدس قابل پیش‌بینی و چاره‌اندیشی نبود؟

صاحب امتیاز وطن یولی در ادامه افزود: دوستان و سروان عزیز تانک‌های فرهنگی پان‌ترکیسم دهه‌هاست به حرکت در آمده و سنگ‌های مهمی را به اشغال در آورده است. خطر از آنچه فکر می‌کنیم به ما نزدیک‌تر است. مسئولین امر در خواب غفلت فرورفته‌اند و پان‌ترکیسم در سطح کارشناسی مراکز و نهادهای حساس تصمیم‌گیری نفوذ کرده و مسئولین مانگشت در جهان کرده و قرمطی می‌جویند و از سیل ترکان مهاجم بی‌خبرند.

وی در پایان گفت: ایران باز هم مانند همیشه تاریخ پناه و پشتش جز آگاهی و بیداری ملت ندارد و باید نوشت و با روشنائی «مهر ایران» را شعله‌ور نگاه داشت.

زبان فارسی بخش مهم هویت ایرانی

حسن انوری عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اظهار داشت: حدود ۹۰ سال پیش در یک دهکده دور افتاده‌ای از آذربایجان متولد شدم و آن دهکده اکنون تبدیل به شهر شده است. من جهان را با زبان ترکی شناختم. مادرم در سن چهارپنج‌سالگی مقدار زیادی از ادبیات ترکی و از متل‌های ترکی به من تقدیم کرد. این متل‌هایی که حدود ۸۶ سال پیش به من تلقین شده، چنان در ذهن ما جایگیر شده و چنان در گویشم طنین‌انداز است که من هر وقت در یک محفل آذربایجانی می‌خواهم دو کلمه حرف بزنم من را واد می‌کند که از آن متل‌ها هم چیزی بخوانم. زمانی که به دبستان رفتم و با زبان فارسی آشنا شدم سرنوشت چنان بود که من خدمتگزار زبان فارسی باشم و تمام عمر در خدمت این زبان شیرین باشم و به این زبان عشق بورزم. نزدیک ۷۰ سال در مقاطع مختلف از کلاس‌های دبستان تا دبیرستان، دانشکده حتی دوره دکتری تدریس کرده‌ام و به زبان فارسی عشق ورزیدم و می‌ورزم. این استاد زبان و ادبیات فارسی در ادامه با اشاره به جایگاه زبان فارسی در جهان افزود: در نظر تاریخی و از نظر فرهنگی در دنیا چهار زبان فارسی، یونانی، ایتالیایی و انگلیسی مهمترین زبان‌اند. البته هر کدام دلیل دارد. زبان فارسی را به علت شاهنامه، زبان ایتالیایی به علت کمدی الپی داتته و زبان یونانی را به علت بودن ایلید و هومر و زبان انگلیسی به علت مجموعه آثار شکسپیر. این چهار زبان یادگار شکوهمند نبوغ بشری هستند و ما خوشحالیم که یکی از این چهار زبان تاریخی مهم، زبان فارسی است. زبان فارسی از جهات مختلف دارای اهمیت است. اولین اهمیتش این است که در ایران واسطه بین اقوام گوناگونی است. ایران کشوری است دارای اقوام گوناگون و هر کدام زبان خاصی دارد ولی وقتی که این اقوام به هم می‌رسند به زبان فارسی ارتباط پیدا می‌کنند.

حسن انوری افزود: در واقع زبان فارسی قسمتی و قسمت بزرگی از هویت ایران است. یک لحظه فکر کنید که اگر زبان فارسی نبود هویت ایرانی چه شکل داشت. این اولین و مهمترین اهمیت زبان فارسی است. زبان فارسی هم‌اکنون زبان رسمی سه کشور است و این اهمیت کمی نیست که یک زبان، زبان رسمی سه کشور باشد. علاوه بر این سه کشور در جاهایی از دنیا، زبان فارسی تکلم می‌شود معمولاً کمتر شناخته شده، در ترکستان شرقی که امروز ایالت سین‌چیانگ چین نامیده می‌شود قسمتی است که

زبان‌شان، زبان فارسی است و شاعران بزرگی از این منطقه برخاسته‌اند. یکی از این شاعران به اسم تجلی است که اشعارش بسیار بسیار موفق بوده است. اگر از اشعار تجلی نمونه‌هایی می‌خواهید دیوانش در سال ۱۳۱۷ قمری چاپ شده، چند غزل هم که در استقبال حافظ سروده به آخر جلد اول کتاب کیمیای هستی تألیف آقای دکتر شفیع کدکنی مراجعه بفرمایید، به خصوص یک غزلش که در استقبال، اولین غزل حافظ، الا یا ایها الساقی ادر کاسا ونا ولها، بسیار بسیار عالی و محکم و کوبنده و اثرگذار است. نویسنده اثر مهم «دستور زبان فارسی» در ادامه افزود: از جهات دیگر اهمیت زبان فارسی که در دنیا مشهور است این است که از زبان‌هایی است که شاهکارهای مهمی به دنیا عرضه کرده است. شما چند زبان در دنیا می‌شناسید که اثری مثل شاهنامه به دنیا هدیه کرده باشد. یا شاعری مثل حافظ به دنیا هدیه کرده باشد این یکی از جهات اهمیت زبان فارسی است که در بین زبان‌های دنیا یگانه است. در هیچ زبانی این همه شاعر با این همه عظمت به دنیا هدیه نشده است.

این پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی در ادامه افزود: یکی دیگر از جهات اهمیت زبان فارسی این است که از نظر تاریخی پدر و مادر دارد و بسیاری از زبان‌ها معلوم نیست پدرشان کیست، مادرشان کیست و در گذشته چه زبانی بودند. در همین ایران ما این همه زبان محلی است معلوم نیست در گذشته از کدام زبان مشتق شدند، ولی زبان فارسی از جمله زبان‌های یگانه در عالم است که تا سه هزار سال پیش پیشینه‌اش معلوم است. زبان فارسی امروز از فارسی میانه و زبان فارسی میانه از زبان فارسی هخامنشی و خوشبختانه از هر دوره‌ای آثاری بر جای است و این یکی از مهمترین جهات اهمیت زبان فارسی است. از جهات دیگر اهمیت زبان فارسی این است که زبانی است که در دوره‌ای از تاریخ تقریباً زبان بین‌المللی بوده است. قبل از اینکه فرانسه و انگلیسی زبان بین‌المللی بشوند، زبان فارسی از اقصای هندوستان تا جنوب اروپا، زبان طبقه فرهیخته بوده و برای زبان فارسی مثلاً در هندوستان این همه فرهنگ نوشته شده، معلوم می‌شود که زبان خواهان داشته و تکلم می‌شده است.

زبان‌شان، زبان فارسی است و شاعران بزرگی از این منطقه برخاسته‌اند. یکی از این شاعران به اسم تجلی است که اشعارش بسیار بسیار موفق بوده است. اگر از اشعار تجلی نمونه‌هایی می‌خواهید دیوانش در سال ۱۳۱۷ قمری چاپ شده، چند غزل هم که در استقبال حافظ سروده به آخر جلد اول کتاب کیمیای هستی تألیف آقای دکتر شفیع کدکنی مراجعه بفرمایید، به خصوص یک غزلش که در استقبال، اولین غزل حافظ، الا یا ایها الساقی ادر کاسا ونا ولها، بسیار بسیار عالی و محکم و کوبنده و اثرگذار است. نویسنده اثر مهم «دستور زبان فارسی» در ادامه افزود: از جهات دیگر اهمیت زبان فارسی که در دنیا مشهور است این است که از زبان‌هایی است که شاهکارهای مهمی به دنیا عرضه کرده است. شما چند زبان در دنیا می‌شناسید که اثری مثل شاهنامه به دنیا هدیه کرده باشد. یا شاعری مثل حافظ به دنیا هدیه کرده باشد این یکی از جهات اهمیت زبان فارسی است که در بین زبان‌های دنیا یگانه است. در هیچ زبانی این همه شاعر با این همه عظمت به دنیا هدیه نشده است.

این پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی در ادامه افزود: یکی دیگر از جهات اهمیت زبان فارسی این است که از نظر تاریخی پدر و مادر دارد و بسیاری از زبان‌ها معلوم نیست پدرشان کیست، مادرشان کیست و در گذشته چه زبانی بودند. در همین ایران ما این همه زبان محلی است معلوم نیست در گذشته از کدام زبان مشتق شدند، ولی زبان فارسی از جمله زبان‌های یگانه در عالم است که تا سه هزار سال پیش پیشینه‌اش معلوم است. زبان فارسی امروز از فارسی میانه و زبان فارسی میانه از زبان فارسی هخامنشی و خوشبختانه از هر دوره‌ای آثاری بر جای است و این یکی از مهمترین جهات اهمیت زبان فارسی است. از جهات دیگر اهمیت زبان فارسی این است که زبانی است که در دوره‌ای از تاریخ تقریباً زبان بین‌المللی بوده است. قبل از اینکه فرانسه و انگلیسی زبان بین‌المللی بشوند، زبان فارسی از اقصای هندوستان تا جنوب اروپا، زبان طبقه فرهیخته بوده و برای زبان فارسی مثلاً در هندوستان این همه فرهنگ نوشته شده، معلوم می‌شود که زبان خواهان داشته و تکلم می‌شده است.



جمع آذربایجانی‌ها در شب و شب و شب

شب میهن پرست

تردیدی نیست و از سرزمین‌های بسیار کهن ایران است. نویسنده کتاب قومیت و قومیت‌گرایی در ایران افزود: در شاهنامه فردوسی از این جاهایی که چالش‌برانگیز است اولین جایی که اسم می‌برد خوزستان است. در داستان زال رودابه دعوا بر سر ازدواج اینهاست و بعد مهرداد کلبلی با همسرش سیم‌دخت صحبت می‌کند، می‌گوید «که باشد که پیوند سام سوار/ نخواهد ز اهواز تا قندهار». یعنی برای اولین‌بار از اهواز نام می‌برد و بعد در داستان کیخسرو از آذربایجان و اردبیل و دزبهن نام می‌برد. روایت‌هایی هست که در نوشته‌های اوستایی ایران ویج را آذربایجان می‌دانند یعنی در روایت‌های پهلوی اشاراتی می‌کند که اسپتمان زرتشت دین بهی را اهورامزدا در کجا فراگرفت، می‌گوید در ایران ویج در آذربایجان یعنی آذربایجان برابر ایران ویج می‌داند.

خانم مری بایس می‌گوید که دلیلش این بوده که بعد از تهاجم اسکندر و آغاز سلوکیان ایرانیان آتشکده اصلی را به آذربایجان بردند و به این دلیل این بحث‌ها مطرح شد. به هر حال آذربایجان یکی از سرزمین‌های بسیار کهن ایرانی و سنکر محکم ایرانیست است و کانون میهن‌پرستی ایرانیان بوده است. به خصوص در دوران معاصر چون بیش از هر جایی مورد هجوم قرار گرفته و بیش از هر جایی مقاومت کرده، نه تنها مقاومت به خاطر خودش بلکه مقاومت به خاطر ایرانیتش یعنی ملیت ایرانی و تنها تبریز و آذربایجان نبوده، بلکه کل ایران.

این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران افزود: نظریه‌پردازان ملی‌گرایی ایرانی می‌نویسند که ایران با هویت ایرانی، اکثراً آذربایجانی هستند. تعداد کمی استثنا مانند میرزا آقاخان کرمانی پیدا می‌شود ولی اکثراً آذربایجانی هستند، در همین مجلس من خبر نداشتم جناب آقای انوری آذربایجانی و خانم ژاله آموزگار اهل خوی هستند. خوی یکی از شهرهای بزرگ آذربایجان است و چه شخصیت‌های بزرگی که در زمینه هنر و فرهنگ آورده است.

حمید احمدی در پایان اظهار داشت: زبان ترکی آذری میراث ملی ما ایرانیان است چون که ترکی خاص ما است. با جاهای دیگر فرق می‌کند. ما این را پرورش دادیم. کسی مخالفش نیست ولی زبانی که نیروهای خارجی می‌آیند

کانون زبان فارسی



در ادامه مراسم دکتر حمید احمدی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران با اشاره به موضوع نشریه وطن یولی اظهار داشت: انتشار چنین نشریاتی خیلی سخت است. هجمه‌ای که به آذربایجان می‌شود بسیار گسترده و در ابعاد گوناگون است و بازیگران بسیار قدرتمند بیرونی عمدتاً که دارای توان مالی و اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی بسیار گسترده‌ای هستند و به جعلیات در هویت آذربایجان مشغولند آنها اجازه چاپ چنین نشریاتی را نمی‌دهند. من چون این مسائل را دنبال می‌کنم می‌دانم خیلی از نشریات در صحنه تبریز و ارومیه و اردبیل و در تهران، آمدند ولی به دلیل مشکلات مالی و فشارهای این چنینی از درون و گاه از بیرون متوقف شدند. این است که انتشار چنین نشریه‌ای کار بسیار سختی بود و آقای دشتیبانی واقعاً زحمات زیادی کشیدند. حمید احمدی با اشاره به نخستین دیواربادشتیبانی در ده سال پیش اظهار داشت: وطن یولی نشریه بسیار جالب و همه‌جانبه‌ای است و مسائل بسیار گوناگونی را مطرح می‌کند ولی یک هدف اصلی داشت و آن دفاع از هویت آذربایجان در برابر تهاجمی که می‌شود. جعلیات تاریخی‌ای که صورت می‌گیرد که آذربایجان را از جهان ایرانی خارج کنند و بعد پچسباندند به یک دنیای دیگری و دوم اینکه بین آذربایجان با سایر مناطق ایران و بین زبان محلی آذربایجان که ترکی آذری است با زبان فارسی از طریق جعلیات تاریخی تضادی ایجاد کنند. عمدتاً ادبیات جعلی‌ای که ساخته و پرداخته می‌شود قبلاً در منطقه قفقاز و در اواخر دوره عثمانی بود و اکنون در ترکیه اینها مدام تبلیغ می‌شود. دهها نشریه با هدف ایران‌زدایی از آذربایجان چاپ می‌شود که توان مالی بسیار گسترده‌ای داشته و عمدتاً هم حمایت خارجی را دارند ولی این نشریات ایران‌دوست آذربایجانی که توسط آذری‌های منتشر می‌شد تحت فشار بودند و هستند. تداوم نشریه وطن یولی در چنین وضعیتی که با تنوع زیاد بحث‌های زیادی در آن مطرح است کار سختی است. نشریه دو زبانی ترکی آذری و زبان فارسی است که عمدتاً روی دو تا نکته تأکید دارد؛ یکی اینکه آذربایجان یک سرزمین ایرانی است و متعلق به جهان ایران و در ایرانیست آن هم هیچ شک و





کلن یولی مجله بخارا

ترین ایرانیان

می‌خواهند با جعل تاریخی و جعل فرهنگی طوری زبان ملی ما را که زبان همه اقوام ایرانی است به حاشیه برانند و به اهداف سیاسی و ژئوپلیتیک خودشان برسند آنجاست که می ایستیم.

زبان کهن آذربایجان



علی اشرف صادقی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به ریشه نام آذربایجان اظهار داشت: در ایران باستان ما ایزدان بسیاری داشتیم یکی از آنها ایزد آتش بوده و خیلی اصراری در ارتباط با این ایزد داشتند. بعد که اسکندر در ایران پیروز می‌شود و داریوش سرتگون می‌شود، اسکندر صلاح را در این می‌بیند که آتروپات یا نگهبان آتش را به استناداری آذربایجان منصوب کند و از همان زمان هم هست که این منطقه نامش آتروپاتن یا به شکل فارسی باستانش آتروپاتکان شده است، و بعد به آذربایگان، آذربایگان، آذربایجان و در عربی هم آذربایجان می‌گویند.

می‌دانیم که در ایران باستان سه آتشکده بزرگ بوده و این سه آتشکده در سه نقطه مهم کشور قرار داشته، یکی آذربرزین مهر در خراسان و در مناطقی‌ای که در دوره اسلامی و حتی در دوره ساسانی اسمش پشت بوده و بعد بست شده و شعاری بزرگی از این منطقه مثل ابوالفتح بستی برخاستند. آتشکده دیگر که مخصوص نظامیان بوده آذرگشنسب نام داشته و در تخت سلیمان کنونی آذربایجان بوده و پادشاهان ساسانی هر سال برای زیارت و ادای احترام و اهورامزدا و ایزدان از تیسفون به این آتشکده می‌آمدند. آتشکده دیگر هم در روستایی به نام کلریان در فارس که امروز آتارش از بین رفته است.

این زبان شناس در ادامه افزود: آذربایجان از دوره باستان جز لاینفک کشور شاهنشاهی ایران بود که البته آن ایران تاریخی تا خارج از مرزهای کنونی ایران از یک طرف تا کوه‌های مولراء قفقاز، از طرف دیگر تا جیحون و از طرف دیگر تا دجله و فرات کشیده شده بود. آشکانیان اهل خراسان کنونی بودند که در آن زمان در دوره هخامنشی اسمش پهلّه بود. در کتیبه داریوش پرفره که بعد شده پهلّه و صفت نسبی این کلمه پهلوی است و پهلوانی و کلمه پهلوان هم از همین جاست، چون واقعاً سرداران اشکانی پهلوانانی بودند که رومی‌ها را به ستوه در آورده بودند. بیزانسی‌ها که در ترکیه کنونی بودند و ترک‌هایی که در قرن نهم از شرق وارد ایران شدند و به تدریج به آسیای صغیر کوچ کردند و بالاخره تسلطنتیه یا استانبول فعلی را فتح کردند و امپراتوری بیزانس منقرض شد و زبان آنجا که بخش عمده‌ای یونانی بود و بخشی لاتینی به تدریج عقب‌نشینی کرد و ترکی جای آن را گرفت.

بعد نام پهلو که گفتمیم نام قدیم خراسان باشد از گرگان فعلی تا مرو که آن سوی مرز قرار دارد و اکنون در جمهوری ترکمنستان است و تا زمان ناصرالدین



در دوره اسلامی در یک زمانی فلسفه و کلام از شهرهای داخلی ایران به تبریز منتقل شد و به مراغه و بسیاری از آثاری که ما امروز به دست داریم در این زمین‌ها در آن منطقه نوشته شده که یکی‌اش همین سفینه تبریز است که عرض کردم، یک کتاب دیگری باز مرکز نشر دانشگاهی چاپ کرد و کتابی است که در مراغه نوشته شده و از همین کتاب‌های فلسفی و عرفانی است و رسالات متعدد دیگری هم داریم. در زمان مغول‌ها غازان خان و فرزندانش در آنجا سکنی داشتند و بعد فرزندانشان امارت داشتند و حکومت می‌کردند. دو تا وزیر ما داریم از وزرای بسیار برجسته و بسیار دانشمند ایرانی یکی خواجه نصیرالدین طوسی صاحب آن همه آثار در ریاضیات و منطق و فلسفه و وزیر هلاکوخان بوده است چون مغول‌ها، که فقط شمشیرزن بودند، کشور را بایستی اهل فرهنگ اداره کند، همیشه این‌طور بوده است. یک وزیر دیگر هم خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی صاحب کتاب بزرگ جامع‌التواریخ است و رسالات متعددی که الان نشر میراث مکتوب سیزده جلد از جامع‌التواریخ‌اش را در تهران چاپ کرده است، این هم وزیر غازان‌خان بوده، البته غازان‌خان ناجوانمردی کرد، و او را کشت و حتی پسرش را هم شهید کرد.

خواجه نصیرالدین طوسی که رصد خانه و زیچ معروفش را در مراغه ساخته و ویرانه‌هایش هست، خواجه نظام الملک صاحب کتاب سیاست‌نامه هم بسیار دانشمند برجسته‌ای بوده، آن هم وزیر پادشاهان سلجوقی ترک زبان بوده و کشور را با آن تدبیر و با آن قلم اداره می‌کرده. قلمرو کشور ایران در آن زمان از کاشغر در ترکستان چین تا لب دریای مدیترانه بوده و معروف است که خواجه نظام‌الملک می‌خواستند یک طلبی به کسی بدهد، او از آن مناطق شرقی بوده، خواجه حواله‌اش را به آن طرف ایران می‌دهد و می‌پرسند چرا این کار را کردی، می‌گوید خواستم قلمرو کشور ایران را نشان بدهم که چقدر وسیع است. می‌گویند روزی ملکشاه سلجوقی به خواجه می‌گوید اگر خواهی فرمایند تا دوات از پیش تو بگیرم، دوات نماد نظارت و کتابت بوده، با این قلم و دوات اداره می‌کردند. خواجه نظام الملک هم می‌گوید دولت این تاج به این دوات بسته است. اگر این دوات برداری آن تاج برداشته شود. یک هم‌چین وزیر دانشمند و قدرتمندی داشتند. نام‌های دیگری هم در منطقه آذربایجان قبل از قرن دهم داریم که همه نام‌های ایرانی است. خود تبریز، خود اردبیل، اردبیل جز اولش ارده است که شده ارذ یعنی مقدس است و نام قدیم‌ترش اردبیت بوده با ذال و بعد ذال خیلی مواقع به لام بدل شده و مراغه که البته کلمه عربی است اسم قدیمش یک اسم ایرانی است. منطقه دیگری اینجا بود نیمزراه، که نیمزراه در ارتباط با آتشکده آذرگشنسب این نام را گرفته است و بعد زنجان معرب زنگان است. در شعر نظامی با همین تلفظ به کار رفته است، البته بعد از اینکه ترک‌ها آنجا مسلط شدند و بعد از قرن نهم مقداری نام‌های آبادی‌ها البته ترکی شده است که آن هم کسی منکر نیست، الان هست.

غرض من این بود که این جعلیاتی که این بدخواهان ایران دارند و آنها جوانان مطالعه نکرده و تاریخندان ما را به آنها گمراه می‌کنند، بدانند که از زمان هخامنشیان تا این زمان اینجا جزء لاینفک ایران بوده است و دانشمندان بزرگ شعرای بزرگ از این منطقه برخاستند و آقای دکتر احمدی گفتند در برخی روایات زرتشت هم اهل آذربایجان می‌داند که بعد به شرق ایران و نزد گشتاسب رفته است.

در آذربایجان کنونی اکنون سیصد روستا هنوز هست که به زبان قدیم صحبت می‌کنند. مرحوم استاد احسان یاشاطر مقاله‌ای در دانشنامه ایران واسلام درباره زبان آذری دارد، کسروی برای اولین‌بار نمونه‌های از این زبان را جمع کرد و گفت این زبان قدیمی آذری بوده و خواست این را در مقابل ترکی آذری قرار بدهد ولی همان‌طور که عرض کردم اسم قدیم‌ترش پهلوی بوده است. دکتر یارشاطر در آن مقاله اشاره می‌کند و می‌گوید سیصد روستا که به زبان قدیم پهلوی سخن می‌گویند هنوز هست. الان استاد محترم آقای دکتر انوری گفتند در نزدیک روستایشان یک جایی بود که دکتر یارشاطر یک روزی من را خواست گفت اینجا یک زبانی وجود دارد از شاخه‌های زبان پهلوی قدیم و من می‌خواهم تو مقداری اطلاعات راجع به آن به من بدهی. ایشان می‌گوید دوستم تا کلمه به من دادند گفتند معادل‌های این را پیدا کن و من معادل‌های این را نوشتم و دادم.

اسکو تا صد سال پیش زبان‌اش پهلوی آذری بوده است. صوفیان و شعرای بزرگی هم که در سرخاب تبریز همه مدفون هستند، چه شعرای غرب و چه شعرای شرق، از اسدی بگیرند تا شعرای آذربایجان و کمال خجندی که مال خجند در تاجیکستان فعلی بوده است.

علی اشرف صادقی با بیان اینکه دلم خیلی می‌سوزد و باید دید حرف‌ها را یک‌جا می‌زد اظهار داشت: این روزها می‌دانید که در نتیجه شدت تبلیغات بدخواهان زبان فارسی خیلی مورد هجمه قرار گرفته و مثل اینکه ملت ایران را به فارس و ترک تقسیم کردند. چنین تقسیم‌بندی‌ای هیچ موقع نبوده، اصلاً فارسی اسم یک استان است. زبان فارسی ما مال استان فارس است برای اینکه هخامنشیان بعد هم ساسانیان آنجا بودند، فارسی دری به این جهت اسمش فارسی است. هر چند به خراسان رفت و از خراسان دو مرتبه تبت ولی اصلش این زبان امروز ما، زبان گفتار تیسفون است. ابن مقفع به این اشاره می‌کند می‌گوید زبان دری، زبان مردم پایتخت تیسفون است و بعد به خراسان رفته است و بهترین شکل زبان فارسی دری در خراسان بلخ است. منطقه بلخ، بعد فارسی چون از کلمه فارس به اضافه یای نسبت ساخته شده، اینها تصور کردند مثل ترکی است. ترکی اسم یک قومی است که یای نسبت به آن می‌چسبد می‌شود ترکی ولی فارسی اسم قوم خاصی نبوده که ای به آن بچسبد، اسم مناطقی‌ای است، این هم به هر حال یکی از جعلیاتی دوره‌اخیر است که بایستی محققان به آن توجه داشته باشند.

این چهره ماندگار در ادامه افزود: زبان فارسی ۲۵۰۰ سال است که زبان رسمی و ملی ایران بوده و کتیبه‌های فارسی باستان هخامنشی‌ها اول به آن زبان نوشته شد. این ۲۵۰۰ ساله زبان همین‌طور ادامه پیدا کرده است.

به جز دو سه قرن اول اسلامی که زبان رسمی ما عربی بود. زبان دینی، زبان رسمی اداری دیوانی و زبان علمی عربی بود چون زبان عربی از ایران تا شمال آفریقا که عرب‌ها آنجا را فتح کرده بودند رایج بود طبعاً زبان پرگوینده‌تری بود و به همین جهت دانشمندان ما کتاب‌های اولیه‌شان را به عربی نوشتند مثل محمدبن زکریای رازی و ابن سینا و ابوریحان. البته این دو نفر که بعد از رازی بودند یک مقداری هم کتاب‌هایشان به فارسی است و کم کم عربی نویسی متروک می‌شود باز فارسی سر بلند می‌کند اما امروز به دست ما رسیده است چنانچه باید امانت‌دار خوبی باشیم این را حفظ کنیم از هجمه‌هایی که از یک طرف از طرف زبان انگلیسی به زبان ما می‌شود و از یک طرف دیگر از سوی دشمنان ایران از بیرون از مرزها و متأسفانه جوانان خام بی‌اطلاع ما تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند و اگر اندکی تاریخ مطالعه کنند من مطمئنم خیلی‌هایشان متوجه‌اشتباه‌خودشان شوند.

از وطن یولوندای بیگانگان تا وطن یولی خودمان



مسعود عرفانیان آخرین سخنران این مراسم مقاله خود با نام «از وطن یولوندای بیگانگان تا وطن یولی خودمان» را قرائت کرد. عرفانیان با اشاره به صفحه آخر نشریه وطن یولی اظهار داشت: در صفحه آخر روزنامه وطن یولی در مقابل لوگوی روزنامه عبارتی درج گردیده که چنین است وطن یولوندا به معنای طراح وطن عنوان نشریه‌ای تبلیغاتی در تبریز بود که ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های دهه بیست با هدف ایجاد زمینه‌های فرهنگی اشغال دائمی آذربایجان توسط روس‌ها نشر می‌کرد. نشر نشریه وطن یولی به معنی راه وطن با کتابه به آن واقعه تاریخی در صدد است سیمای حقیقی ایران زمین را معرفی نموده و بر بیوستگی‌های فرهنگی تاریخی این سرزمین تأکید کند. به راستی چنین است و وطن یولی به خوبی از عهده این مهم برآمده است که به آن اشاره خواهیم کرد. اما نخست به شکلی گذرا به نشریه وطن یولوندا توسط روس‌ها می‌پردازیم. انتشار وطن یولوندا در آذربایجان خلق‌الساعه و ناگهانی نبوده و با مرور دقت بر ساختار هیأت ۲۵۰۰ نفره‌ای که قرار بود حتی تا سه هزار نفر افزایش یابد همراه با مهندسین معدن، متخصصین صنایع نفت و اکتشاف نقشه برداران، پزشکان، مهندسین کشاورزی عمران و آبادانی افسران رسته‌های مختلف نظامی و نیروها و کادرهای آموزش دیده اطلاعاتی گروهی از نویسندگان شاعران بازیگران سینما و تئاتر نوازندگان و موسیقی‌دانان نیز به آذربایجان فرستاده شده بودند. این بدون دلیل نبود.

این پژوهشگر قفقاز و آسیای مرکزی در ادامه افزود: بخش فرهنگی این گروه به رهبری میرزا ابراهیم ازدر اغلو با همراهی جعفر خندان، حسن شاه‌علیف رضا قلی‌اف، سلیمان رستم، عثمان ساری‌بندی، محمد راحم، احمد محمدخان دی و چندین نفر دیگر مأموریت داشتند که با احداث ایستگاه رادیویی، انتشار نشریه، اجرای کنسرت و تئاتر و نمایش و دیگر فعالیت‌های این چینی‌ی به تبلیغ اندیشه‌های سوسیالیستی کمونیستی، مبارزه با فاشیسم، پیشرفت‌های سیاسی اقتصادی واجتماعی فرهنگی آذربایجان شوروی پرداخته و از این راه به جذب هوادار بپردازند این بخش بسیار حایز اهمیت بود و بنا بر اسناد منتشر شده از سوی جمیل حسنیل در مرکز توجه مقامات به ویژه شخص میرجعفر باقراف قرار داشت و رابطین هیأت به دقت تمام جزئیات دگرگونی‌ها و پیشرفت کارها را لحظه به لحظه در اختیار باقراف قرار داده و او نیز پس از خواندن با شنیدن گزارش‌ها رهنمودهایی لازم را در اختیار آنان قرار می‌داده است.

عرفانیان افزود: در همین راستا و به منظور پیشبرد درست و دقیق برنامه‌ها آنان درصدد رانندازی و انتشار یک نشریه برآمدند و میرزا ابراهیم‌اف ازدر اغلو که از طرفداران سرسخت جدایی آذربایجان از ایران بود و شوربختانه خود نیز زاده یکی از روستاهای سراب در آذربایجان ایران بود دست به کار شد و وطن یولندا را منتشر نمود. گروهی از نویسندگان و شاعران تبریز و دیگر نقاط آذربایجان در انتشار روزنامه مشارکت داشتند نخستین شماره وطن یولندا در ۱۱ اکتبر سال ۱۹۴۱ نشر شد و انتشار آن تا ۱۳ آوریل ۱۹۴۲ ادامه داشت و در این دوره ۸۹ شماره از آن چاپ شد.

عرفانیان افزود: سپس از مدتی وقفه دومین دوره انتشار از ۱۰ آوریل سال ۱۹۴۴ آغاز و تا اوایل ماه مه سال ۱۹۴۶ ادامه داشت و در کل از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ مجموعاً ۴۰۶ شماره وطن یولندا منتشر شد. اگرچه در ظاهر اهداف وطن یولندا گسترش فرهنگ و ادب آذربایجان و اطلاع‌رسانی پیرامون وضعیت جبهه‌های جنگ، و وضعیت زندگی سربازان و دیگر مسائلی مانند اینها بود اما ترویج ناسیونالیزم آذری تبدیل به یکی از اهداف عمده و اصلی این نشریه شده بود و ادبیات خلق شده از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ منحصرأ به زبان آذری بود و مهمترین مشخصهٔ آن تأکید بر ناسیونالیزم آذری بود. همچنین موضوع زبان یکی از مهمترین دغدغه‌های وطن یولندا و دیگر نشریات آن که در آن هنگام در آذربایجان منتشر شد، بود و خصوصاً با زبان فارسی در همین دوران مشاهده می‌شد. سیاست‌زدگی، درج مقالات کلیشه‌ای فرمایشی همراه با چاشنی ایدئولوژی از دیگر ویژگی‌های بارز این نشریات بود و سیاست و ادبیات چنان در هم‌میخته بودند که مقالات سیاسی یکسان اشعار، داستان‌های کوتاه و مقالات یکسان بارها و بارها در نشریات گوناگون آن دوران منتشر می‌شد. این تلاش‌ها در چارچوب الغای هدفی ویژه صورت می‌گرفت که برنامهٔ آن به شکلی دقیق و حساب‌شده بیشتر توسط ایدئولوگ‌ها و برنامه‌ریزان آذربایجانی با صلاحدید و زیر نظر مسکو و کرملین تهیه شده بود. خوشبختانه هیچ‌یک از این کوشش‌ها و تلاش‌های دشمنان ایران با یاری عوامل داخلی‌اش به بار نشست و با هوشیاری مردم و نیروهای مسلح سلحشور ایران آنان با شکستی قطعی دست از پا درازتر به لانه‌های خود خزیده و نظاره‌گر ناکامی خود ماندند. وطن یولندا نیز به فراموشی سپرده شد و رد و نشانه‌ای از آن باقی نماند.

این پژوهشگر و روزنامه نگار در ادامه با اشاره به نشریه وطن یولی افزود: نزدیک به هفت دهه پس از آن به ابتکار یک تن از فرزندان دلسوز و شیفتهٔ سربلندی واعتلای ایران عزیز آقای داود دشتبانی که دغدغه‌ای به جز شکوه و عظمت و سرفرازی و عزت فرهنگ و تمدن ایران نداشت روزنامهٔ وطن یولی پا به عرصه وجود نهاد. در مهر ماه سال ۱۳۸۸ انتشار وطن یولی در کسوت نشریه‌ای دانشجویی آغاز و تا سال ۱۳۹۱ انتشار آن ادامه داشت و در این دوران مجموعاً ۲۱ شماره از وطن یولی منتشر شد. آقای داود دشتبانی با گرفتن مجوز انتشار سراسری وطن یولی از سال ۱۳۹۴ به انتشار آن رسمیت بخشیده و تاکنون ۵۰ شماره از آن را منتشر نموده است. در ابتدای کار او تنهای تنها با تلاش، کوشش، پیگیری و عشق و علاقه‌اش به سربلندی ایران عزیز و بدون ترس و اهمه‌ای از انبوه مشکلات و دشواری‌های کمین کرده بر سر راه پای به میدان گذاشت و سپس در ادامهٔ کار چند تن از دوستان و رفیقان مه‌دل و هم‌راهی نیز به او پیوستند. امروز وطن یولی به عنوان یکی از روزنامه‌های وزین و پیروز راستین حقایق و با در نظر گرفتن چارچوب‌ها و ضوابط حرفه‌ای فن روزنامه‌نگاری توانسته خوانندگان زیادی را جذب نماید و این تنها در پرتو صداقت، بردباری و نوع نگاه آقای دشتبانی نسبت به پدیده‌ها در رخدادهای پیرامون خود به وجود آمد که ریشه در واقع‌بینی ایشان دارد. وطن یولی با محور قرار دادن ایران و مسائل مربوط به آن و به ویژه فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان و ادبیات ایران بیشترین توجه را در این مباحث نشان می‌دهد و نیز رویارویی و مقابله با اندیشه‌های انحرافی و بدون پشتوانه علیم پان‌ترکیست‌ها از دیگر دغدغه‌های وطن یولی است. هم‌چنین تاریخ، فرهنگ و زبان آذربایجان از منظر علمی در مرکز توجه وطن یولی قرار دارد. به همین دلیل وطن یولی مانند خاری در چشمان دشمنان وحدت و یکپارچگی و تمامیت ارضی میهن عزیزمان ایران فرورفته و آنان را آزار می‌دهد.



مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد.

دومین همایش همایش ملی «تاریخ فرهنگی در ایران» دوم اسفندماه به کوشش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود

این همایش با موضوع «تاریخ فرهنگی در ایران؛ مسائل، مفاهیم، روش‌ها و چالش‌ها» روز سه‌شنبه، دوم اسفندماه ۱۴۰۱، برگزار خواهد شد و صاحب‌نظران و پژوهشگران می‌توانند مقالات خود را تا ۱۴ آذرماه ۱۴۰۱ به دبیرخانه این همایش ارسال کنند.

چیستی تاریخ فرهنگی، تعریف، واژگان بنیادین، مفاهیم و قلمرو موضوعی و چارچوب‌های نظری، تاریخ‌نگاری «تاریخ فرهنگی، پیشگامان تاریخ فرهنگی، تاریخ فرهنگی جدید و نسبت آن با علوم تاریخی، چالش‌ها و فرصت‌های مورخ در تاریخ‌نگاری فرهنگی، جنبه های روش شناختی تاریخ فرهنگی، مطالعات جهانی و تطبیقی تاریخ فرهنگی، تاریخ فرهنگی در ایران، وضعیت فعلی و چشم‌اندازهای آن، بررسی و ارزیابی تولیدات پژوهشی در حوزه تاریخ فرهنگی، تاریخ فرهنگی ایران

در نشست «نسبت زبان فارسی و زبان‌های محلی» مطرح شد؛

مسائل قومی وزبانی در ایران منشا داخلی ندارد

فارسی، زبان ملی و فراقومی است



دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

دکتر هوشنگ درادامه، مدیرمسئول ماهنامه «وطن‌پولی»

(پیشنهادهایی برای پژوهش)، تداوم و گسست امر فرهنگی در تاریخ ایران، باستان شناسی و تاریخ فرهنگی(انسانشناسی فرهنگی،نشانه‌شناسی فرهنگی و...)،معماری و تاریخ فرهنگی، تاریخ جنسیت و زنانه نویسی در تاریخ فرهنگی، زندگی روزمره و سبک زندگی در تاریخ ایران، فرهنگ رسمی و غیررسمی(عامه)، تاریخ احساسات و عواطف(تاریخ شرم، تاریخ ترس، تاریخ عشق، و...) تاریخ ذهنیت و حافظه فرهنگی، حافظه فرهنگی ، جنگ و تاریخ فرهنگی ،آیین‌ها، آداب و رسوم فرهنگی ایران، بازنمایی تاریخ فرهنگی در آثار و منابع فارسی زبان از جمله محورهای این همایش هستند. همایش تاریخ فرهنگی در ایران به دو زبان فارسی و انگلیسی برگزار خواهد شد و دکتر محمدمامیر احمدزاده دبیر علمی همایش و دکتر مهسا ویسی دبیر اجرایی آن است. ۱۴ آذرماه ۱۴۰۱ آخرین مهلت ارسال چکیده و آخرین مهلت ارسال مقاله کامل به این همایش نیز ۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۱ است.

دوازدهمین نشست از سلسله‌نشست‌های «زبان‌شناخت» با موضوع «نسبت زبان فارسی و زبان‌های محلی» با حضور داود دشتبانی، پژوهشگر تاریخ و مسائل اقوام و مدیرمسئول ماهنامهٔ «وطن‌پولی» و فصلنامهٔ «رَبند»، و مهدی صالحی، مجری کارشناس، عصر دوشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۱ برگزار شد. مهدی صالحی مجری کارشناس نشست و از اعضای شورای دفتر پاسداشت زبان فارسی، با اشاره به اینکه موضوع زبان فارسی و زبان‌های قومی و محلی موضوع محوری مهمی است اظهار کرد: چند ماه است که بی‌گیر برگزاری نشستی در این باره هستیم چرا که این روزها به صورت پنهان و آشکار سیاست‌های تفرقه افکنانه و سیاست‌های غلط و دردسرساز زبانی و فرهنگی اجتماعی این موضوع را در بر گرفته‌است.

وی درادامه به رابطه و نسبت تاریخی زبان فارسی و زبان‌های محلی پرداخت و گفت: زبان فارسی از آغاز زبانی بوده که با همه زبان‌های محلی، اقوام و کشورها تعامل کرده‌است؛ حالا چه گویش و لهجه باشد و چه زبان پر گویشوردر جغرافیاهای متعددی افزود؛ همیشه زبان فارسی تلاش می‌کرده که به این زبان‌ها خدمت کند و میانجی همه اینها باشد و این زبان‌ها را حفظ کند.تقریباًسراغ نداریم که زبان فارسی باعث شده باشد که زبان و گویشی محو شود.صالحی با اشاره به سیاست‌گذاری‌های غلطی که در دوره جدید در حوزه ملت‌سازی شکل گرفته اظهار کرد: از دوره پهلوی اول بنای بعضی از این جریان‌ات گذاشته شد و آهسته آهسته تقابلی بین زبان فارسی و زبان‌های محلی شکل گرفت و پیدا شد که این تقابل به زوایا و افتراقی تبدیل شد که این زوایا روز به روز باتزی می‌شود.برخی از این شکاف‌هانمایان‌تر می‌شود که بعضی از آن‌ها جدی و گسل‌هایی فرهنگی، سیاسی و امنیتی هولناکی را بوجود آورده‌است.بعضی از گویشوران و متعلقین به زبان‌های قومی محلی چون: کردی، آذری، بلوچی و ترکمنی و بعضی از فعالان در کشورهای دیگر تلاش کردند که این حلقه وصل را حفظ کرده و این ربط و نسبت را تقویت کننداین فعالان باید سعی کنند که این شکافها بهتر شود و توجه به سمت وحدت و یکپارچگی فرهنگی برگردد.از کسانی که در طول این سال‌ها فرمض بسیار کشیدند و ملالت زیاد دیدند داود دشتبانی است، که هم در مجلاتی که منتشر کرده و هم در فعالیت‌های اجتماعی و مجازی که پیش برده، تأثیر ویژه‌ای داشته‌اند. ما هم در دفتر پاسداشت زبان فارسی حوزه هنری، زحمت ایشان را ارج می‌گذاریم و می‌بینیم و می‌فهمیم‌حال می‌خواهیم ماجرای نسبت زبان فارسی با زبان‌های محلی را از زبان ایشان شنویم.هدف از برگزاری این نشست نمی‌بی‌گیری این اتفاق‌ها و فرآیندهایی است که که باعث می‌شوند این شکاف‌ها و تفرقه‌ها کم شود و آهسته به سمت آن وفاقی برویم که فرهنگ ساز و نگهدارنده است تا بتوانیم همان برادری و نسبت‌های فرهنگی که در گذشته بوده را بازبایی کنیم.

سابقه سرکوب و نزاع قومی نداریم

داود دشتبانی در ادامه این نشست به سخنرانی در خصوص موضوع نشست پرداخت و گفت: یک سری گزاره‌ها در آذهان جلافتاده که دقیق نیست و حتی بعضی از آن‌ها ساخته کسانی است که هدفشان تخریب این رابطه است.یکی از نکات این است که ریشه این تخریب‌ها ازدوران پهلوی آغاز شد که به نظر من این گزاره درست نیست و هیچ مصداقی برایش وجود ندارد و به برآیند کارها و اتفاقات است که در دوران پهلوی اتفاق افتاد برمی گردد.میان ایجاد مشکلات قومی و زبانی و دوران پهلوی هم زمانی وجود دارد اما اینها منشاء خارجی و بیرونی دارند و منشا آن حکومت پهلوی نیست.این هم یکی از اتهاماتی است که برای تخریب نسبتی است که به شکل طبیعی و تاریخی بین زبان فارسی با قومیت ایرانی و زبان‌های محلی و خرده فرهنگ‌های داخلی وجود داشته‌است می‌زنند.جا انداختن این گزاره‌ها خطرناک است چون سرکوب اقوام اگر در دوران این حکومت با حکومت قبلی کشورفرزی اتفاق افتاده باشد به لحاظ حقوقی فرقی نمی‌کند و صرف اینکه ادعا کنی که سرکوب قومی در این کشور و این جامعه صورت گرفته، برای گروه‌های مدعی حقوقی ایجاد می‌کند وآن‌ها به دنبال این هستند.

این یکی از پارز‌های تخریب است که می‌گویند ظلم به زبان‌های محلی از دوران پهلوی آغاز شد و لابد امروز هم ادامه دارد! پایه گذار این اتهام چپ‌ها و مارکسیست‌ها بودند. وی دراین باره خاطر نشان کرد: با وجود انتقاداتی که به

ادامه از همین صفحه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

ادامه

اد

دهمین شماره از فصلنامهٔ فرهنگی هنری «رود» با هدف معرفی کتاب و ترویج کتابخوانی منتشر شد. در این فصلنامهٔ ۱۴۸ صفحه‌ای که با مدیریت مسئولی و سردبیری مه‌ری بهفر منتشر می‌شود، کتاب‌های جدید و قدیم با معرفی کوتاه و بلند در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. مه‌ری بهفر، سردبیر این فصلنامه، در سرمقالهٔ خود در بخش «رودساز» به معرفی نشریه «وطن یولی (راه وطن)» پرداخته است. وی در نوشتهٔ خود به نشریهٔ «وطن یولوندا» که ادارهٔ تبلیغات ارتش سرخ شوروی به هنگام اشغال آذربایجان منتشر می‌کرده است، نگاهی کرده است. از منظر وی «وطن یولی» راهی جز وطن نمی‌شناسد و راه را بر اساس واقعیات تاریخی و سرشت فرهنگی آذربایجان در پیوستگی و اتحاد کل ایران، در عین به رسمیت شناختن تکرر اجزای آن می‌داند، نه در گسست معطوف به خواست توسعه‌طلبانه و منافع و مطامع بیرونی که جز تباہی به بار نخواهد آورد. «رودسنگ» بخشی است که کتاب‌های ماندنی دیروز معرفی شده‌اند تا خاطره آن کتاب‌ها دوباره زنده شود. «همان نوازی ملی»، «پدر»، «پسر دیرآموز من»، «سبک‌شناسی» از جمله کتاب‌های معرفی شده در این بخش هستند. فصلنامهٔ فرهنگی هنری «رود» با سردبیری مه‌ری بهفر، در ۱۴۸ صفحه به قیمت ۶۸ هزار تومان منتشر شده است. این فصلنامه را از کتابفروشی‌ها و ده‌ک‌های روزنامه‌فروشی بخواهید.

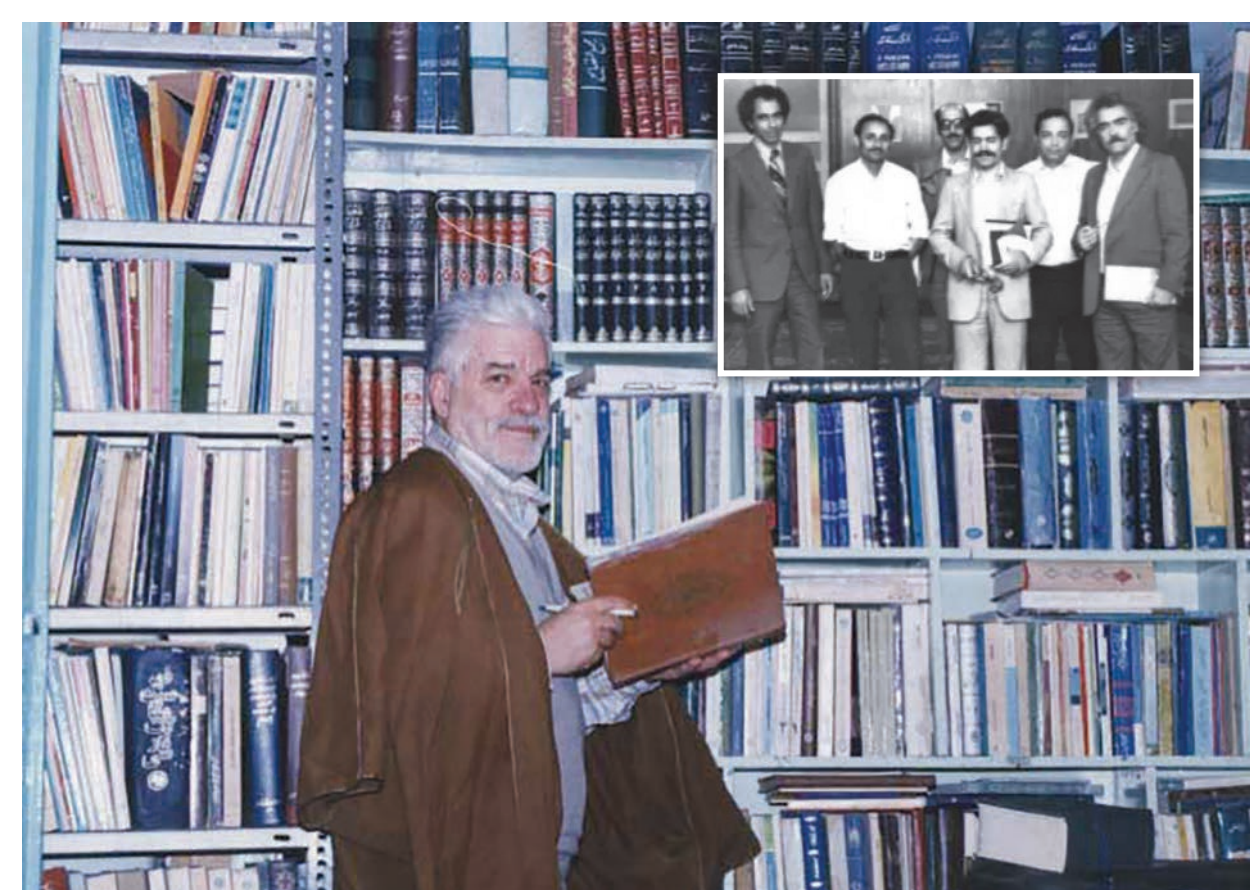


هفت تاریخ History

وطن یولی

مروری بر زندگی سیاسی و فرهنگی محمدزاده صدیق؛

دوزگون یالان



محمدزاده صدیق از فعالی مارکسیست در دهه ۵۰ تا اسلامگرای پارت‌تُرک در دهه ۷۰

حسین محمدزاده صدیق (تخلصِ دُزْگَن)، فعال، نویسنده و مترجم پانترکیست دوم شهریور ۱۴۰۱ درگذشت.

او در آثار و کارهایش عمدتاً به تحریف و دستکاری و جعل با هدف القای محتوای قوم‌گرایانه متهم بود. از جمله آثار او ترجمه دیوان لغات‌الترک اثر محمود کاشغری بود در حالی که اصل این اثر به زبان عربی است و صدیق عربی نمی‌دانست و به همین علت این اثر مهم را از ترکی استانبولی به فارسی ترجمه کرده که طبیعتاً از اصالت و اطمینان به ترجمه صدیق را کاهش می‌دهد. این اثر به صورت دقیق و علمی توسط دکتر محمد دبیرسیاقی به فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی منتشر شده است.

مجموعه آثار ملا محمد فضولی بغدادی و مجموعه دیوان‌های شاعران کلاسیک آذربایجان از دیگر آثار بود که با تصحیح و تلاش صدیق منتشر شد. اما مهم‌ترین اثر منتشره توسط محمدزاده صدیق که رسوایی بزرگی برای او پدید آورد انتشار اثری به نام «قارا مجموعه» بود که محمدزاده صدیق ادعا کرد منتسب به شیخ صفی‌الدین اردبیلی و حتی کتابی سری و گمشده از ترکان باستان و اثری بسیار مهم است و بر جلد کتاب نام شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی را درج کرد اما خودش نیز در مقدمه و محتوای کتاب ادعان کرده بود که این آثار در دوران شاه طهماسب و پس از او سر هم شده است. در واقع اثری که صدیق ادعا کرده بود کتاب بسیار مهم و متعلق به شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی است ترجمه‌هایی کوتاه از حکایات‌های صفوه الصفا اثر ابن‌بزاز اردبیلی است. صفوه الصفا اثر مهمی به زبان فارسی درباره زندگی شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی است که برخلاف ادعاهای صدیق اتفاقاً چند بیت شعر به لهجه اردبیلی از زبان شیخ صفی را نقل کرده که به زبان محلی اردبیل و شبیه تاتی است و نشان می‌دهد زبان مادری شیخ‌صفی‌الدین تاتی بوده است و همانگونه که تحقیقات متعدد نشان داده‌اند سلسله صفوی بعدها و در زمان پدران شاه اسماعیل و تحت تاثیر هواداران قزلباش خود ترک‌زبان شده‌اند. همین اثر جد خاندان صفوی را فیروزشاه کردی سنجانی معرفی کرده و می‌نویسد: «با لشکر پادشاهی که از فرزندان ارباب الطریقهٔ ابراهیم ادهم رحمة الله از طرف سنجان خروج کردند و آذربایجان را بکلی بگشادند.» ابراهیم ادهم که از بزرگان بلخ بود و به تصوف روی آورد و به دیدار امام محمدباقر شتافت و مهم‌ترین و سرسلسه صوفیه در اسلام شد و اکثر فرقه‌های صوفیه خود را به ابراهیم ادهم منسوب می‌کنند. شهر کردنشین سنجان هم در شمال عراق اکنون نیز مشهور است.

رسوایی کتاب «قارامجموعه» چنان بالا گرفت که میرهدایت حصارى دیگر فعال پانترکیست در نشریه نویدآذربایجان به نقد محمدزاده صدیق پرداخت و نوشت: «در حقیقت این کتاب صرفاً اثری است که خود آقای صدیق تألیف نموده و از چندین کتاب طریقتی که همه آنها بارها چاپ شده‌اند، نقل نموده است و گاهگاهی نیز نام شیخ صفی‌الدین را (چنانکه خواهیم گفت) از طرف خود در لابه‌لای سطور آنها جای داده است که در متن اصلی موجود نیست... آقای صدیق بدون هیچ دلیل و منطقی اشعار قلی‌بیگ پسر قراخان چرکس، بیگلربیگی شیروان، را که معاصر شاه عباس دوم بوده و چهار قرن بعد از شیخ صفی‌الدین میزیسته و نسخ دیوان او در کتابخانه‌های ملک، مجلس شورای اسلامی و دانشگاه تهران موجود است، به نام اشعار ترکی شیخ صفی در بخش دوم کتاب خود در صفحات ۳۵ تا ۴۱ نقل کرده است. در حالی که یعنی به شیخ صفی ندارند. جالب اینکه خود ایشان در جلد سوم مجله «رینی یول» که در چهار شماره در سال ۱۳۶۲ منتشر نموده همان اشعار را به نام همان شاعر چاپ کرده و اینک همان شعرها را در این کتاب به نام شیخ صفی نقل میکند. مسلم است که تاکنون شعر ترکی از شیخ صفی به دست ما نرسیده است.»

دهمین شماره «رود» منتشر شد



دستبرد قوم‌گرایان بر شهیدان کربلا

«غلامانِ نوحاسته»



از آن برداشت بکنید، باید دیگران هم لاقل اشارهای کرده باشند. وطن‌یولی: مناقب ابن شهرآشوب هم که غلام ترکی را آورده برای استناد چگونه است؟ و همچنین آیا اختلاط نام‌هایی چون سلیم و سلیمان و اسلم و همچنین واضح: که به جای رومی، واضح ترکی آورده‌اند، به سبب آمدن دو اسلم در مقتل خوارزمی است که نخست به عنوان غلام حر و سپس غلام امام حسین آمده است؟ چون در نسخه‌های عربی از مقتل ابی مخنف از وهب بن کلیبه به نام اسلم نام برده شده است.^۵

صادق: ابن شهر آشوب، معاصر خوارزمی است و اعتبار هر دو یکی است؛ چون ابن شهر آشوب مناقب نگار است و مانند خوارزمی که واعظ است، دقت‌های کارشناسانهٔ مورخان رسمی را ندارند، بلکه مناقب نویسان در صدد بیان فضائل افراد، ممکن است به هر خبری تمسک کنند. علاوه بر این، ابن شهرآشوب مطالبی دارد که نادرستی آن کاملاً روشن است؛ لذا نمی‌توان اعتماد کامل علمی داشت. اما اینکه فرمودید آیا ممکن است غلام حر یا واضح را از خوارزمی گرفته باشند، بله؛ امکان دارد که خلط کرده‌اند و چنین مواردی را در کتب تاریخ داریم. خوارزمی یک مولای تُرک برای حر برشمرده که او هم در جای دیگری نیامده و به نظر می‌رسد که حر تنها بوده و مولای در کربلا نداشته است.^{۶۷} البته برای امام حسین(ع) مولای دیگری مانند واضح رومی یا سلیمان که بپیک آن حضرت به مردم بصره بود و شهید شد بیان کرده‌اند؛ اما حرفی از تُرک بودن وی نیست. همانطور که در لِهوف نوشته ام، نام وی تنها در مقتل خوارزمی آمده است. بنده مقتل خوارزمی را ترجمهٔ انتقادی کرده‌ام و ذیل آن مطلب نوشته‌ام که نام غلام تُرک در «منبع» متقدمی نیامده است.»

یادداشت‌ها:

۱ – ترکیب نام‌هایی چون اسلم بن دِیلم قزوینی، اسلم بن عمر ترکی قزوینی، اسلم بن عمر دیلمی قزوینی و دیگر از این دست که دست بر قضا از نژاد ترک بود که به زبان عربی مسلط بود و با صوتی دل‌نشین قرآن را می‌خواند؛ طبیعی لطیف داشت و قصه‌گو و دوست کودکان بود. شاعر و نویسنده بود و به‌عنوان یکی از کاتبان امام حسین (ع) همواره امام را همراهی می‌کرد، بیان زیبا و مناعت طبعش سبب محبوبیتش در بین کودکان، جوانان و پیران شده بود، یعنی نه تنها آذربایجان از عهد‌الست سرزمین ترکان بوده است؛ بلکه دیلمستان هم با گسترهٔ آن زمان که در منابع جغرافیای اسلامی مذکور است و در نتیجه قزوین نیز که از نواحی «آن حدود و آن آذربایجان» به شمار می‌رفته است، بخشی از سرزمین مادری «ملت تُرک آذربایجان» قلمداد خواهد شد.

۲ – علاقمندان می‌توانند برای درک میزان اهمیت آگاهی از تمییز میان این دو، به گزارش «وصف ترکان» و «هه آذری‌های آذربایجان» از سفرنامهٔ احمدبن فضلان بن راشدبن حماد مراجعه کنند.

۳ – دانش اموختهٔ کارشناسی ارشد تاریخ تشیع از دانشگاه امام صادق(ع) – ۱۳۸۶، دکتری تاریخ اهل‌البیت(ع) از جامعهٔ المصطفی‌العالمیه – ۱۳۹۶، مدیر گروه پژوهشی تاریخ تشیع پژوهشکدهٔ تاریخ سیرهٔ اهل‌البیت (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱)، مدیر گروه سیرهٔ اهل‌بیت پژوهشکدهٔ تاریخ (۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶)، مدیر گروه تاریخ و جغرافیای دانشنامهٔ پیامبر اعظم(ص) پژوهشکدهٔ باقرالعلوم (۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸)، دارای چندین مقاله و کتاب شایستهٔ تقدیر از جمله برگزیدهٔ انجمن تاریخ پژوهان سال ۱۳۸۳ برای مقالهٔ نقدی بر امار جنگ‌های امام علی(ع)، لوح شایستهٔ تحسین کتاب سال ۱۳۹۶ حوزه برای تصحیح و منبع‌شناسی کتاب الملهوف سیدان طلویوس با استفاده از ۵۷ نسخهٔ خطی، اثر شایستهٔ تقدیر برای کتاب اخیر در کتاب سال جمهوری اسلامی و …

۴ – شرح عم‌حسین: ترجمهٔ تحقیقی بخش اصلی مقتل خوارزمی – انتشارات همکران – ۱۳۸۸ (به تازگی تجدید چاپ شده است).

۵ – ثم برز من بعده (عمیر بن المطاع) «الغلام الذی اسلم و هو وامه علی یدالحسین (علیه‌السلام)» و هو یقول:

ان تکرونی «فانا ابن الکلبی» عبِل الذراعین شدیدالضرب لا زهَب الموت بدارالحرب افوز بالجنه یوم الکرب

انی غلام واقف بربی «حسبی به مولای فِهو حسی»

ثم حمل علی القوم و لم یزل یقاتل حتی قتل اربعین رجلا و قتل (رحمه الله) و احتز راسه ورموا به الی عسکرالحسین (علیه‌السلام) فاخذته امه و رمت به قاتله فقتلته.

۶ و ۷ – از مقاتل متأخر در فیض الدموع نامی از غلام یا هر کسی دیگر به همراه حر نیست و در روضه الشهدا نام غلام حر غره است که غلام علی؛ پسر حر بود و پس از شهادت حر و مصعب؛ برادر حر و علی، به میدان رفت.

منابع:
۱ – سلیمان‌ی، محمدحسین، ردپای اسلم بن دِیلم قزوینی در کربلا، ایسناقزوین، دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶.

۲ – ابی مخنف، لوط بن یحیی ازدی غامدی، مَقْتَلُ الحَسین «علیه‌السلام» و مَصْرَعُ اهلِ بَیتِه و اصحابِه فی کربلا، الطبعة الثانیة ۱۴۰۸ – ۱۹۸۷م، مکتَبَةُ الالفین، الکویت.

۳ – کاشفی، حسین بن علی، روضه الشهداء، تصحیح حسن ذوالفقاری، علی تسنیمی با همکاری صبا واصفی، چاپ اول ۱۳۹۰، انتشارات معین، تهران.

۴ – نواب تهرانی، محمدابراهیم بدایع نگار، فِیضُ الدُمُوعِ و عَترَةُ المُسْتَهَامِ، تحقیق و تصحیح اکبر ایرانی قمی، چاپ اول ۱۳۷۴، انتشارات هجرت و مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب، قم.



جعفر وثوقی

تاریخ، دانشی گزینشی نیست که با تلاش برای حذف یا تکذیب، تخریب و تحریف بخشی از آن، مقاطع دیگر دگرگون نشوند و این یکی از دردهای همیشگی دشمنان قسم خوردهٔ ایران باقی خواهد ماند؛ اینان، زمانی برای استحالهٔ هویتی «قوم» ایرانی زیر عناوینی چون «ملت‌های» ایران و زبان مادری، به تاریخ و فرهنگ ایران می‌تاختند تا نیت شوم تجزیه‌طلبی خود را در پوشش برائت از ایشخور خودشان پنهان کنند، ولی هنگام مواجهه با فرزانتگانی چون جناب سلمان که از بستر تاریخ ایران پیش از اسلام سر برآورده‌اند و یا فرمانروایان ساسانی یمن از دورهٔ باذان که حتی پس از فروپاشی ساسانیان نیز برقرار بودند و برای پایداری گسترش اسلام کمک‌های فراوانی چون یاری در سرکوب اهل رده انجام دادند؛ از جعلی خواندن واقعیت تاریخی جناب سلمان هم شرم ندارند، نه جعل اصحابی مانند دده قورقودا برای پیامبر(ص) می‌پردازند که نام آن به تنهایی برای اشیایان با منابع و تاریخ اسلام مایهٔ مزاح است و یا در تلاش برای زدودن مهر اهل بیت از قلب ایرانیان و سست کردن تشیع که با نشأت گرفتن از فطرت حق جوئی ایرانی، مایهٔ دامه و استحکام حیات سیاسی ایران را فراهم آورده است، به دروغ پراکنی‌هایی مانند حضور مولا امام علی و حسنین علیهم‌السلام در نبرد قادسیه یا جنگ‌های شمال ایران دست می‌زنند. مدتی هست که شاهد نوعی دیگر از اینگونه شیطنت‌های زیر پوشش تکثرگرایی با سخن راندن از غلام «تُرک نژاد» امام حسین (ع) هستیم؛ صرف نظر از اینکه چگونه می‌شود خودشان هر کجا واژهٔ «نژاد» را ببینند، با تعابیر شوونیسم فارس! یا تاریخ پهلوی نوشت و دیگر لطایف الحیل به هوجی‌گری می‌پردازند، ولی اینجا «با تحریف دستاویز غیر مستند» خودشان، نژاد را نیز بر آن افزوده‌اند؟! قدر مسلم دو هدف را نشانه رفته‌اند؛ پدیدآوردن و سپس جانداختن یک غلط مصطلح تازه برای زمینه‌چینی به منظور بومی‌خواندن تُرکان در ایران و استحالهٔ فرهنگی آذربایجان به نام سرزمین تُرکان، این هم با ترسیم گستره‌ای بزرگ‌تر از آذربایجان واقعی^۱ و همچنین تقدس‌افرینی برای تُرکان که یادکرد اوصاف زندهٔ آنان در میان منابع تاریخ اسلام، ایران، مسیحیت و حتی چینی، فراتر از حوصلهٔ نوشتاری مطبوعاتی خواهد بود.^۲

در جریان جستجو برای چگونه سربر آوردن این غلام تُرک در مقاتل، با تصحیحی بسیار گرانقدر از لِهوف سید ابن طلویوس به قلم حجت الاسلام‌والمسلمین دکتر مصطفی صادقی کاشانی^۳ روبه‌رو شدم. جناب دکتر صادقی کاشانی در گفتگو با وطن‌یولی اظهار داشت:

«مصطفی صادقی کاشانی: ما به لحاظ علمی و دانش تاریخ، منابعی را معتبر می‌دانیم و نسبت به آن‌ها اطمینان قائل هستیم که به دورهٔ حادثه نزدیک‌تر باشند که اصطلاحاً منابع دست اول می‌گوییم و هم کارشناسی خاصی نسبت به موضوع داشته باشند، مورخ باشند، شیعه و سنی بودنشان هم فرقی نمی‌کند؛ مهم این است که شواهد و قرائن تاریخی هم در کنار آن‌ها تایید بکنند. ممکن



هست حتی یک سنی مطلبی را بگوید که درست باشد و یک شیعه حرفی را بزند که با آن زمان سازگاری نداشته باشد. گرچه در مقتل خوارزمی که در قرن ششم نوشته شده است، این مطلب آمده، اما آن زمان ایرانیان هنوز تشیع نداشتند و قرائن و شواهدی دربارهٔ این شخص نداریم و مهمتر از همه این است که اولین کسی که از او نام می‌برد همین خوارزمی در قرن ششم است. برای شرح حال خوارزمی، هم می‌توانید به مقدمهٔ ترجمهٔ انتقادی مقتل خوارزمی^۴ و هم مقاله‌ای که دکتر محسن رنجبر نوشته‌اند مراجعه کنید. یکی از خصوصیات خوارزمی ختیب بودن است؛ ایشان مورخ رسمی و از این جهت که دقت مثل دیگرانی مانند ابومخنف را داشته باشد ندارد. ما بر منابعی مثل ابومخنف تکیه داریم که حدود سال ۱۲۰–۱۱۰ یعنی با حدود شصت – هفتاد سال فاصله، حادثهٔ عاشورا را ثبت کرده است. منابع بعدی مثل حتی شیخ صدوق که قدیمی و قبل از خوارزمی است، نکاتی دارد که ممکن است درست نباشد. شیخ مفید چون از ابومخنف می‌گیرد مستند است. ما، فضیل رسان را داریم که نام شهدای کربلا را در کتاب کوچکی به نام تَسْمِیةُ مَنْ قَتِلَ مَعَ الحَسین نوشته است و شخصیت شناخته شده‌ای است؛ در آنجا هم اسم غلام تُرکی نیامده است. در کتاب انساب الاشراف بلاذری با اخبار الطوال که حتی نویسندهٔ آن ایرانی و اهل دینور کرمانشاه بوده است هم همینطور. خوارزمی در قرن ششم این مطلب را آورده و بعدی‌ها هم از آن نقل کرده‌اند. این نمونه‌ها هم به خوارزمی استناد می‌دهند و خوارزمی منبعی است که به هر حال قابل توجه است و به آن ارجاع می‌دهند؛ اما وقتی به حیطهٔ کار علمی و مباحث شناسی و مباحث تحلیل تاریخی می‌آید، با نقد و بررسی فنی روبرو می‌شود. ولی اگر شما از هر کسی بپرسید، خواهند گفت که خوارزمی آورده است، اثر خوارزمی یک مقتل است، مقتل معتبری است؛ بلی! در حد خودش معتبر است ولی این که شما بنویسید به آن استناد کرده و بخواهید یک مطلب مهمی را

نقدهای میرهدایت حصارى بر همین سیاق یک به یک تقلب‌ها و دستکاری‌های محمدزاده صدیق را برمی‌شمارد و نشان می‌دهد که صدیق تا چه میزان در کار علمی اهل جعل و دروغ و غیرقابل اعتماد است. صدیق در مشی سیاسی نیز همین گونه بود. کسی که در دهه پنجاه و اوایل شصت دلباخته مارکسیسم بود و پیرو سیاست‌های مسکو در حمایت از «خلق‌های ایران» و امیدوار بود بار دیگر رفیق‌های روس حکومتی همچون فرقه دموکرات پیشه‌وری را در آذربایجان برپا کنند.

وی در بخشی از ترجمه کتاب «گویشلی وطن یادداشت لاری» که سفرنامه‌اش به شوروی و باکو است می‌نویسد: «بر سر مزار پیشه‌وری اختیام را از دست دادم چنددقیقه‌ای به حال خود نبودم؛ متأثر شدم، به‌هیچ‌وجه نمی‌توانستم خودم را کنترل کنم؛ گریه، آی گریه... سعی کردم در مقابل مجسمه باعظمت پیشه‌وری و قبر او یک دقیقه بگریز ایستاده و سکوت کنم. ته دل با خودم برای تحقق بخشیدن امال و آرزوهای رهبرمان تالظه‌مرگ، پیمان بستم... در مقابل رهبرمان، همانند کسی که گوش‌بفرمان است ایستادم. اختیارم دست خودم نبود. محله سعادت تبریز در مقابل چشمم زنده شده بود. در ایستادن و نگاه مجسمه پیشه‌وری چنان سحری بود که مانند سیل اشکم جاری بود. برف سیید بر موهای رهبرمان نشست» بود.

در آن زمان اتحادیه جماهیر شوروی به دنبال حمایت از افرادی همچون صدیق بود. ژیل ریو در صفحه ۲۵۲ کتاب «روش‌های مشارکت در ناسیونالیسم آذربایجانی در ایران: از امانت‌داری شوروی تا توانمندسازی مترقی» می‌نویسد: «اتحاد جماهیر شوروی همچنین از فعالان جوان مبارز کشور پشتیبانی می‌کند. این مورد حسین صدیق ، متولد ۱۹۴۵ است. وی در سال ۱۹۷۹، در تبریز «آذربایجان یازپچیلار و شاعرلر جمعیتی» را تأسیس کرد». او مشارکتی در نشریاتی همچون «یولداش»، «انقلاب یولوندا» و «ینی یول» داشت که به‌طور مشترک دارای تحریریه طرفدار شوروی بوده‌اند.

ریو در همان صفحه می‌نویسد: «حسین صدیق به‌طور فعال در سه نشریه مشارکت می‌کند که برای زنده ماندن با مشکلات مزمن روبرو هستند: یولداش رفیق ، انقلاب یولونداره انقلاب، و ینی یول، روش جدید. آن‌ها مشترکاً دارای یک سرمقاله طرفدار اتحاد جماهیر شوروی و محکوم‌به ظلم و ستم هستند که ترک‌ها می‌توانستند تحت رژیم قدیمی قربانی شوند.» در سال ۱۹۸۲ نیز صدیق به کنفرانسی دعوت شد که از سوی انجمن آذربایجانی جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان به مناسبت سالگرد تأسیس این حزب و برای دوستی فرهنگی برگزار شد. در همین زمان، جمهوری دمکراتیک آذربایجان شوروی به‌واسطه همین انجمن حمایت‌های مادی نیز انجام می‌داد. به‌عنوان مثال آن‌ها کتاب‌های ویرایش شده توسط آذربایجان شوروی را، از جمله با موضوعات تاریخی، ترجمه و رونویسی می‌کردند تا در ایران چاپ شوند.

همین محمدزاده صدیق از اواخر دهه شصت شروع به ترجمه وصیت‌نامه و اشعار و مطالب امام خمینی به ترکی کرد و به یک باره به یک فرد اسلام‌گرا بدل شد که البته باز هم یک اسلام‌گرای پانترک! البته این چرخش بی‌ربط به تغییر قیله پانترک‌ها از مسکو به آنکارا هم نبود حالا با آدم اردوغان قیله آمال پانترک‌ها هم به ترکیه تغییر کرده بود و البته حزب حاکم ترکیه هم مدعی اسلام‌گرایی است. محمدزاده صدیق در سال‌های آخر عمر مدعی بود کار سیاسی را کنار گذاشته و تنها به کار فرهنگی و علمی می‌پردازد اما در کار علمی و فرهنگی نیز دست کمی از سیاست‌ناداشت دوزگون در ترکی آذربایجانی معنای راستین و صادق می‌دهد محمدزاده صدیق در کار علمی یک جاعل و دروغ‌پرداز راستین بود.

ساحل رود ارس

خواجه شمس‌الدین محمد
حافظ شیرازی

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام
پُر صدای ساریانان بینی و بانگ جرس

محمل جانان بیوس، آنگه به زاری عرضه دار
کز فراقت سوختم ای مهربان فریاد رس
من که قول ناصحان را خواندمی قول زباب
گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند بس

عشرت شبگیر کن، بی نوش گاندر راه عشق
شبروان را آشنایی هاست با میر عسکس
دل به زغبت می‌سپارد جان به چشم مست بار
گر چه هشیاران ندادند اختیار خود به کس

طوپیان در شکرستان کامرانی می‌کنند
و از تخش دست بر سر می‌زند مسکین مگس
نام حافظ گر برآید بر زبان کلک دوست
از جناب حضرت شاهم بس است این مُلتمس

سومین رزمایش نیروهای نظامی ایران در مرز جمهوری آذربایجان؛

ایران مقتدر از رود ارس گذشت



رزمایش بزرگ و شبانه‌روزی ایران در منطقه عمومی ارس در حالی که فرصتی برای تمرین نیروهای نظامی است اما هم‌زمان یک هشدار نظامی-سیاسی به کشورهای منطقه است. رزمایش ۳ روزه نیروی زمینی سپاه پاسداران ایران که از صبح روز دوشنبه ۲۵ مهر در منطقه عمومی ارس با شعار «ایران مقتدر» آغاز شد، سومین و بزرگ‌ترین رزمایش سپاه پاسداران از زمان جنگ قرمباغ در سال ۱۳۹۹ است. هم‌زمان با این رزمایش «حسین امیرعبداللهیان» وزیر امور خارجه که در صدر هیأتی بلندمرتبه به ارمنستان سفر کرده تا با مقامات ارمنستان دیدار و گفتگو کند. امیرعبداللهیان گفت: جمهوری اسلامی ایران هرگونه تغییر در ژئوپولیتیک منطقه، در مرزهای تاریخی منطقه و در کریدورهای تاریخی و سنتی منطقه را بر نمی‌تابد و ما این مسئله خط قرمز خود می‌دانیم. ما هرگونه تدابیر لازم برای جلوگیری از چنین نیابتی - اگر در منطقه وجود داشته باشد - به کار خواهیم گرفت. رزمایش پیشین ایران در منطقه ارس هم‌راه سال گذشته با مشارکت نیروهای زمینی ارتش و سپاه پاسداران برگزار شد و هدف آن، واکنش به «حضور عوامل اسرائیل» در کشورهای منطقه و احتمال «تغییر مرزها» عنوان شد. ایران از آغاز جنگ قرمباغ ۳ رزمایش در منطقه عمومی ارس برگزار کرده است اما وسعت جغرافیایی این رزمایش تمام نوار مرزی استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی با جمهوری آذربایجان را در بر می‌گیرد و این درحالی است که رزمایش‌های پیشین در وسعت جغرافیایی کمتر بود. سردار محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران در رابطه با رزمایش ایران مقتدر گفت: منافع و امنیت ملی ایران، خط قرمز ما است و چون در این مورد حساس هستیم رزمایش اقتدار نیروی زمینی سپاه را برگزار می‌کنیم.

جمهوری آذربایجان اشاره داشته باشد. پل‌های متحرک نصب شده روی رودخانه ارس قابلیت تحمل وزن تا ۶۰ تن را دارد که وزن قابل قبول برای عبور تانک و نفربر است. همچنین در این رزمایش، یگان‌ها و رسته‌های تخصصی نیروی زمینی سپاه پاسداران سناریوهای امنیتی و دفاعی را به صورت ترکیبی تمرین کردند. در بخشی از این رزمایش، نیروهای ویژه سپاه با بهره‌گیری از بالگردهای «ام‌ای-۱۷» و اجرای عملیات هلی‌برن، تصرف ارتفاعات و جاده‌های مواصاتی دشمن را تمرین کردند و پهپادهای رزمی هم موفق به انهدام مواضع دشمن فرضی در منطقه ارس شدند. پهپادهای رزمی استفاده شده در این رزمایش «مجهز به سر جنگی قدرتمند بوده و با بهره‌مندی از هوش مصنوعی قادر به انهدام انواع مواضع و استحکامات دشمن هستند».

هم‌زمان با برگزاری رزمایش «گسترده» نیروی زمینی سپاه پاسداران ایران در پشت مرزهای جمهوری آذربایجان، این رزمایش بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های باکو داشته است. برخی از آن‌ها این گمانه را مطرح کرده‌اند که تهران با برگزاری این رزمایش می‌خواهد از گشوده شدن دالان ارتباطی میان جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان جلوگیری کند. جمهوری خودمختار نخجوان بخشی از خاک جمهوری آذربایجان است که با این کشور مرز مشترک ندارد و از شمال با ارمنستان و از جنوب با ایران هم مرز است. جمهوری آذربایجان که در سال‌های گذشته از طریق خاک ایران به منطقه نخجوان دسترسی داشت، در پی توافق آنترس با ارمنستان که پس از جنگ قرمباغ منعقد شد، توانست موافقت ایروان برای برقراری جاده‌های ارتباطی با نخجوان را به دست بیاورد اما باکو با تفسیری فراتر از متن توافق خواستار تصرف یک دالان سرزمینی از درون خاک ارمنستان برای برقراری ارتباط است که علاوه بر عدم تسلط ارمنستان بر ارتباطات با نخجوان ارتباط ایران و ارمنستان را نیز قطع خواهد کرد. ایران بارها در سطوح مختلف به باکو و حامی منطقه‌ایش ترکیه اعلام کرده که هیچ تغییری در مرزها و ژئوپولیتیک منطقه را نمی‌پذیرد و در صورتی که این اتفاق بیفتد با قدرت پاسخ می‌دهد. برخی خبرها حکایت از آن دارند که جمهوری آذربایجان در حال احداث شبکه‌ای از فرودگاه‌ها با کاربری نظامی در سرزمین‌هایی است که در جنگ سال ۲۰۲۰ با ارمنستان به دست آورده است. شماری از تحلیلگران بر این نظرند که در صورت درست بودن این خبر، اسرائیل و کشورهای عضو ناتو می‌توانند از این فرودگاه‌ها علیه ایران، ارمنستان و روسیه استفاده کنند. بنابراین رزمایش نیروی زمینی سپاه پاسداران پس از وقوع تنش‌های جدید میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان واجد ویژگی‌هایی است که توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرده است. برخی از تحلیلگران جمهوری آذربایجان بر این نظرند که احداث پل روی رودخانه ارس توسط نیروهای نظامی ایران نشان می‌دهد که این کشور می‌تواند وارد خاک جمهوری آذربایجان شود.

تمرین عبور از رودخانه ارس

یگان‌های مهندسی رزمی نیروی زمینی سپاه پاسداران در این رزمایش برای نخستین بار پل‌های متحرک «پی‌ام‌پی» را برای تردد یگان‌های زرهی روی رودخانه ارس نصب کردند. یگان‌های زرهی و مهندسی نیروی زمینی سپاه پاسداران ایران در سومین روز رزمایش «اقتدار ایران» از پل نصب شده روی رودخانه ارس گذشتند و یک پل ثابت خاکی هم روی این رودخانه برای سهولت در تردد یگان‌های زرهی احداث کردند. گفتنی است این عبور درون خاک سرزمینی و از کنار رود ارس به یکی از جزایر وسط رود ارس که به خاطر دوشاخه شدن رود ایجاد شده انجام شد و نیروهای نظامی ایران وارد کشور همسایه نشدند با این حال حساب توثیتری منتسب به سپاه کلبی نمدان از این رزمایش را منتشر کرده و در پایان این کلیپ آیه ۵۰ سوره بقره به نمایش در آمد که می‌گوید: «هنگامی که دریا را شکافتیم و شما را نتاج دادیم» که می‌تواند به مردم شیعه و ایران دوست



نگه کن بدین گردش روزگار

آیا پس گرفتن هفده شهر قفقاز ممکن است؟



در مورد بازپس‌گیری سرزمین‌های واگذار شده در قرارداد گلستان و ترکمنچای این مسئله مهم مطرح است که هنگامی که این سرزمین‌ها هنوز استقلال نداشتند و دولت - ملت نبودند عهدنامه‌ها بر جامانند. امروز که همه آن سرزمین‌های الحاقی خود یک دولت-ملت هستند چگونه می‌توان داعیه بازنگری در عهدنامه ترکمنچای و استرداد سرزمین‌ها را مطرح کرد. از چند سال پیش صحبت از پایان زمان عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای و تلاش برای بازگرداندن سرزمین‌های از دست رفته چند باری مطرح شده است. حتی برخی سیاست‌های ضد ایرانی دولت‌های همسایه همچون آذربایجان، موجب شد تا کار به بازنگری در عهدنامه ترکمنچای در مجلس بگردد. امری که انتقاد این کشورها را نیز به دنبال داشت.

سابقه تاریخی استرداد سرزمین‌ها پس از پیروزی انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷، لنین برای اثبات حسن نیت خود نسبت به ملل ضعیف جهان، الغای تمام امتیازات استعماری دولت تزاری پیشین را اعلام کرد. دولت مصمص السلطنه نیز به استناد اعلامیه‌های رژیم جدید شوروی در مرداد ماه ۱۲۹۷ تصویبنامه‌ای صادر کرد که «الغای کلیه عهدنامه جات و مقاولات و امتیازات فوق‌الذکر را قطعاً تصمصم و مقرر می‌دارد». این تصویبنامه به دلیل ضعف دولت وقت، سیاست‌های منفعت طلبانه انگلیس و نفوذ سیاسی و نظامی آن که می‌خواست جای روسیه را بر نماید نتوانست موفقیتی کسب نماید.

بار دیگر نیز در کنفرانس صلح پاریس، دعاوی ایران پیرامون استرداد سرزمین‌هایی که دولت‌های تزاری و بریتانیا به زور و عنف از ایران جدا کرده بودند اشاره شد و الحاق مجدد آن، به عنوان خواسته‌ای جدی مطرح گردید. در این کنفرانس با توجه به تغییر رژیم روسیه و الغای کلیه قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ با بی میلی انگلیس، ملغی شدند. اما در مورد استرداد سرزمین‌ها، سایکس می‌نویسد جای تأسف است که به هیئت نمایندگی ایران اجازه داده نشد تا تقاضای خود را تقدیم کنفرانس نماید و تأسف بیشتر به دلیل فقدان کامل سیاستمدارانی قابل در ایران است که چنین دعوی عجیب و غریبی از طرف نمایندگانش مطرح می‌شود. البته سایکس علاوه بر درخواست استرداد گویا به الغای کاپیتولاسیون که درخواست دیگر ایرانیان بود نیز اشاره دارد.

بار دیگر در پیمان مودت ۱۹۲۱ میان ایران و روس که بر طبق ادعای طرفین، ناقض کلیه عهدنامه‌های دوران رژیم تزاری روسیه با ایران بود به ظاهر فرصتی پیش آمد که مبنای مناسبات جدید رژیم شوروی را با ایران پایه ریزی می‌کرد. روزنامه دیلی هرالد درباره این قرارداد نوشت بر مبنای این قرارداد زمین‌هایی که در گذشته از ایران به روسیه ملحق شده است پس داده می‌شود؛ دیون ایران به روسیه از عهده دولت ایران ساقط می‌گردد و مواردی دیگر. با این پیشینه تاریخی از ادعای لغو این عهدنامه و استرداد سرزمین‌ها، هیچ‌گاه اراده‌ای مبنی بر بازپس دادن سرزمین‌های از دست رفته شکل نگرفت و یک وجب خاک نیز بر گردانده نشد. در این میان ضعف دولت مرکزی و سیاست‌های منفعت طلبانه دولت انگلیس نیز نقش داشت. شاید هم روش و نظر رهبران شوروی تغییر کرد و یا تحولات سیاسی ایران در آن سالها و به ویژه پس از کودتای ۱۲۹۹ در این امر مؤثر افتاد.

انقلاب روسیه و فروپاشی شوروی دو رویداد سیاسی بودند که هر کدام موجب شد تا به انطافای این عهدنامه‌ها پرداخته شود. پس از انقلاب روسیه، اعلامیه‌های مبتنی بر الغای کلیه قراردادهای امتیازات حکومت تزاری صادر شد اما هیچ سرزمینی مسترد نشد. در واقع مفاد این عهدنامه‌ها به جز قسمتی که مربوط به انتزاع سرزمینی از خاک ایران از طرف حکومت شوروی سوسیالیستی بود، لغو گردید.

بر مبنای حقوق بین‌الملل از آنجا که پس از معاهدات گلستان و ترکمنچای، این سرزمین‌ها به دولت روس واگذار شد و واگذاری سرزمین تکلیفی برای ایران و حقی برای روس بود به محض انجام پایان یافته تلقی می‌شود و دیگر نمی‌توان ادعای استرداد را مطرح کرد. پس از فروپاشی شوروی در اواخر دهه هشتاد میلادی، هر کدام از سرزمین‌های الحاقی به روسیه، کشوری مستقل شدند. این کشورها از سوی جامعه جهانی به رسمیت شناخته شدند. شناسایی دوزوره این کشورها به این معنا بود که این دولت شناسایی کننده، وضعیت این دولت را از هر جهت قانونی دانسته و واجد شرایط دولت بودن می‌داند. بر مبنای حقوق بین‌الملل، شناسایی دوزوره قطعی، غیر قابل لغو، کامل و تمام است. تنها راه نفی شناسایی دوزوره قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی با این کشور است. بنابراین مطرح کردن ادعای استرداد سرزمین‌های ایران می‌تواند به معنای تهدید مرزهای این کشورها و ادعایی جاه طلبانه از سوی کشورها تلقی شود و از اعتبار ایران، بکاهد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصت مطرح کردن ادعای ایران بر این مناطق وجود داشت که از دست رفت و اکنون با پذیرش استقلال این کشورها به نظر می‌رسد تنها راه الحاق این مناطق به ایران رأی و خواست مردمان خود این مناطق است که در طول تاریخ نیز سابقه داشته و مردم نخجوان هم در زمان فروپاشی روسیه تزاری و هم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چنین خواسته و مطالبه‌ای داشته‌اند.